



مرکز پژوهش‌های اتاق ایران

ایران و ژاپن: خیلی دور، خیلی نزدیک



دی ۱۴۰۲

شناسنامه گزارش



مرکز پژوهش‌های اتاق ایران

عنوان:

ایران و ژاپن: خیلی دور، خیلی نزدیک

مدیریت اقتصاد کلان و آینده پژوهی

تاریخ انتشار: دی ۱۴۰۲

واژه‌های کلیدی: کربن‌زدایی و انرژی‌های تجدید پذیر، غیر تحریمی، مدل توسعه سبز، چابهار، شرکت‌های کوچک و متوسط، ژاپن

نشانی: تهران، خیابان طالقانی، نبش خیابان شهید موسوی (فرصت)، پلاک ۱۷۵

فهرست مطالب

۵	خلاصه مدیریتی
۸	مقدمه
۸	دیپلماسی اقتصادی ژاپن: اهداف و اولویت‌ها
۱۹	روند تحول در تجارت خارجی ژاپن در عمل
۲۰	خاورمیانه در سیاست خارجی و دیپلماسی اقتصادی ژاپن
۲۸	ظرفیت‌ها و محدودیت‌های روابط ایران و ژاپن

راهکار

وضعیت موجود تحریمی علیه اقتصاد ایران احتمالاً در کوتاه مدت تداوم خواهد یافت. در چنین فضایی تمرکز بر حوزه کربن زدایی و انرژی‌های تجدید پذیر می‌تواند کانون همکاری ایران و ژاپن قرار گیرد. این حوزه عمدتاً غیر تحریمی است، ژاپن به سرعت به سوی مدل توسعه سبز در حرکت است و کشورهای توسعه یافته موظف به حمایت از کشورهای در حال توسعه در پیشبرد کربن‌زدایی‌اند. ژاپن به عنوان یکی از رهبران کربن‌زدایی در جهان از توان و تمایل برای همکاری با ایران در این زمینه برخوردار است. اما فقدان زیر ساخت مالی همچنان یک معضل محسوب می‌شود. منطقه چابهار از تحریم‌ها مستثنا شده است. ایجاد یک موسسه مالی در چابهار برای شکل دهی به زیر ساخت مالی همکاری میان شرکت‌های ایرانی و ژاپنی در راستای کربن زدایی و تعامل شرکت های کوچک و متوسط را می‌توان به عنوان یک پیشنهاد مطرح کرد. ایجاد چنین موسسه مالی بی شک با پیچیدگی‌های همراه است اما امکان‌پذیر می‌باشد.

۱. روابط اقتصادی ایران و ژاپن علی‌رغم ظرفیت‌های فراوان به ویژه در حوزه انرژی، با محدودیت‌های اساسی ناشی از تحریم مواجه است. بنابراین تا آینده قابل پیش‌بینی متغیر تحریم شرایط را برای بالفعل نمودن ظرفیت‌های روابط دو کشور همچنان دشوار خواهد ساخت.
۲. با وجود این متغیر تحریم در نوسان است. بدان معنا که بین تحریم و اجرای آن از سوی دولت‌های مختلف در ایالات متحده و نحوه اجرای آن نوسانات آشکاری وجود دارد. در شرایط کنونی و با توجه به نیاز ایالات متحده به عرضه بیشتر نفت به بازار جهانی و نیز تفاهم حداقلی که میان ایران و ایالات متحده حاصل شده است، سخت‌گیری‌های ایالات متحده برای اجرایی نمودن تحریم‌ها نسبت به دوره ترامپ کاهش یافته است. این فضا می‌تواند در راستای توسعه روابط ایران و ژاپن در حوزه‌های غیر تحریمی و بشردوستانه و با تکیه بر شرکت‌های کوچک و متوسط مورد استفاده قرار گیرد.
۳. یکی از گزینه‌هایی که در این گزارش بررسی شد، طرح‌هایی برای اخذ معافیت تحریمی از ایالات متحده توسط ژاپن بود. طرف ژاپنی^۱ معتقد است که اخذ این معافیت‌ها به شدت دشوار و زمان بر است. اما می‌توان بر روی آن پافشاری کرد و به عنوان یک تقاضا از طرف ژاپنی مطرح کرد.
۴. حوزه انرژی که به طور تاریخی کانون روابط ایران و ژاپن و به طور کلی کانون سیاست خاورمیانه

۱- دیدگاه‌های طرف ژاپنی که در این گزارش به آنها اشاره شده از طریق مصاحبه تیم پژوهش با کارشناسان ژاپنی مستقر در تهران به دست آمده است.

ای ژاپن بوده است در سال‌های اخیر تغییرات مهمی به خود دیده است. وابستگی ژاپن به نفت وارداتی از خلیج فارس به ۹۵ رسیده است. طبیعی است که این کشور تلاش دارد تا وابستگی خود به این منطقه را بین بازیگران مختلف توزیع نماید. اما ایران به عنوان یک تولید کننده مهم کاملاً از بازار نفت ژاپن حذف شده است. این امکان وجود دارد که طرف ژاپنی معافیت‌های محرمانه‌ای از ایالات متحده برای از سرگیری واردات حداقلی از نفت ایران دریافت نماید. احتمالاً طرف چینی نیز که در شرایط کنونی بخش اعظم نفت ایران را وارد می‌کند چنین معافیت‌هایی را دریافت کرده است. البته این درخواست به آسانی از سوی طرف ژاپنی مورد پذیرش قرار نمی‌گیرد و نیاز به رایزنی دارد.

۵. افزون بر این و مهم‌تر آنکه استراتژی توسعه ژاپن به سمت اقتصاد سبز و کم کربن در حال تغییر است و این کشور در این راستا بر سرمایه‌گذاری‌های سنگین در حوزه هیدروژن تمرکز کرده است. ژاپن در ۱۵ سال آینده بیش از ۱۰۰ میلیارد دلار در حوزه هیدروژن سرمایه‌گذاری خواهد کرد. خلیج فارس از کانون‌های مهم سرمایه‌گذاری ژاپن در حوزه هیدروژن است و استحصال هیدروژن از گاز طبیعی یکی از حوزه‌های مورد تمرکز این کشور است. در سطح کلان تر انرژی‌های تجدید پذیر به طور گسترده مورد توجه ژاپن است.

۶. ایران دومین دارنده ذخایر گاز است که منبعی مهم در تولید هیدروژن محسوب می‌شود. در سطح کلانتر انرژی‌های تجدید پذیر در حوزه تحریم‌های ایران قرار ندارند و از آنجا که کشورهای توسعه یافته از جمله ژاپن الزام به همکاری با کشورهای در حال توسعه و حمایت از آنان برای گذار به اقتصاد کم کربن را دارند، حوزه جدید می‌تواند ظرفیت‌های مهمی در روابط ایران و ژاپن ایجاد کند. همانگونه که کلاس فناورانه ژاپن مکمل سیاست کربن زدایی عربستان سعودی و امارات شده و نه تنها دانش فنی را به این کشورها می‌آورد بلکه سرمایه‌گذاری در این کشورها صورت می‌دهد، در مورد ایران نیز چنین مدلی البته در سطوح شرکت‌های کوچک و متوسط قابل اجرا و قابل پیگیری با طرف ژاپنی است. در این حوزه طرف ژاپنی آمادگی برای همکاری با ایران و تبدیل آن به کانون روابط دارد، اما در مورد جدی بودن ایران برای کربن زدایی تردید دارد و معتقد است ایران در این زمینه برنامه مشخصی ندارد. ارائه طرح‌های مشخص از سوی بخش خصوصی و تبدیل کربن زدایی به کانون جدید روابط ایران و ژاپن می‌تواند مدنظر قرار گیرد.

۷. در حوزه تعاملات مالی که یکی از چالش‌های اساسی برای روابط ایران با سایر کشورها محسوب می‌شود و بخش مهمی از تحریم‌ها در این حوزه اعمال شده است نیز تاکنون سه مدل همکاری بین ایران و سایر کشورها طراحی شده است. توجه به این مدل‌ها می‌تواند در کاستن از دشواری

روابط مالی میان ایران و ژاپن نیز کمک کننده باشد. نخستین مدل طراحی ساز و کار اینستکس بود که به دلیل شرایط سیاسی آن زمان و به ویژه امید به احیای برجام و بهره‌مندی ایران از منافع کامل آن به جایی نرسید. این مدل همچنان از منظر فنی برای تعامل شرکت‌های کوچک و متوسط اهمیت دارد. تجربه ایجاد این ساختار فنی می‌تواند در روابط شرکت‌های کوچک و متوسط ایران و ژاپن با یکدیگر مورد توجه قرار گیرد. مدل دوم مدل چینی است که عمدتاً با تمرکز بر ظرفیت‌های محلی اقتصاد چین و به کارگیری بانک‌های کوچک چینی در تعامل با ایران توانسته پنجره‌های حداقلی را در حوزه تعامل مالی و به ویژه در کالاهای غیر تحریمی باز نگاه دارد. این مدل نیز با توجه به ظرفیت عظیم اقتصاد ژاپن در صورتی که دولت این کشور اراده سیاسی داشته باشد می‌تواند مد نظر قرار گیرد. مدل سوم مدلی است که در عراق اجرایی شده و در قالب آن دولت عراق توانسته معافیت‌های دوره‌ای برای انجام تراکنش‌های مالی با ایران تحت نظارت ایالات متحده و در حوزه‌های غیر تحریمی به ویژه برای پرداخت بهای گاز و برق صادراتی ایران به این کشور دریافت نماید.

۸. طرف ژاپنی استدلال می‌کند که در ژاپن بانک‌های بزرگ بر نظام مالی کاملاً سلطه دارند و اساساً بانک‌های کوچکی که فعالیت محلی داشته باشند و بدون نگرانی از تحریم با ایران مرآده نمایند وجود ندارند. از همین رو شرکت‌های ژاپنی حتی تلاش دارند از بانک‌های کوچک در آلمان برای تعامل با ایران استفاده نمایند که این امر نیز با سخت‌گیری سیستم بانکی ژاپن مواجه است. از منظر آنان یافتن فرمولی مبتکرانه برای تعامل مالی شرکت‌های کوچک و متوسط دو کشور می‌تواند بخش مهمی از راه حل گذار از رکود کنونی باشد. آنان خواستار کمک بخش خصوصی ایران به یافتن راه حل‌های مبتکرانه اند.

۹. از منظر جغرافیایی منطقه آزاد چابهار منطقه ای است که با تلاش‌های هند از تحریم‌های ایالات متحده مصون مانده است و بر همین مبنا هند توانسته به همکاری خود با ایران ادامه دهد. معافیت تحریمی که در چابهار وجود دارد بالقوه می‌تواند جغرافیایی برای حضور شرکت‌های کوچک و متوسط ژاپنی باشد. افزون بر این در همین منطقه می‌توان امکان تاسیس یک موسسه مالی را نیز مورد بررسی قرار داد تا زیرساخت مالی برای فعالیت شرکت‌های کوچک و متوسط فراهم گردد. منطقه چابهار در استراتژی هند و پاسیفیک باز و آزاد که مورد توجه سیاست خارجی ژاپن است بالقوه اهمیت دارد. در صورتی که بخش خصوصی ایران بتواند به خوبی در این روند ایفای نقش کند این امکان وجود دارد که در میان مدت چابهار به پایگاهی برای شرکت‌های کوچک و متوسط ژاپنی بدل شود.

۱۰. دولت‌های ایران و ژاپن بر سر ترسیم نقشه راهی برای روابط دو کشور به تفاهمی اولیه دسته یافته اند. چند و چون این تفاهم هنوز روشن نیست. بخش خصوصی باید به تدریج نقش خود را در این نقشه راه روشن نماید و با دولت ایران برای گنجاندن این نقش رایزنی نماید. در کوتاه مدت تمرکز بر شرکت‌های کوچک و متوسط و رایزنی با طرف ژاپنی برای طراحی مدل‌های خاص تعامل اقتصادی در شرایط تحریم، اولویت دارد.

مقدمه

روابط اقتصادی میان ایران و ژاپن دوگانگی‌های زیادی دارد. از جهتی ظرفیت‌های توسعه روابط اقتصادی گسترده بوده و به لحاظ تاریخی، ژاپن شریک مهم تجاری ایران بوده است. از سوی دیگر، در یک دهه اخیر، در واقعیت، روابط اقتصادی مؤثری میان دو طرف شکل نگرفته است. برای هر دو کشور مدت‌هاست که این وضعیت جریان یافته و گویا به ویژگی روابطشان تبدیل شده است. از همین رو هنگامی که از روابط ایران و ژاپن صحبت می‌شود، دو طرف بر پتانسیل‌ها و ظرفیت‌ها تأکید دارند؛ اما در عمل نشانه‌ای از روابط گسترده و قابل توجه وجود ندارد.

روشن است که تحریم‌های اعمالی علیه ایران از یکسو و روابط بسیار نزدیک ژاپن و ایالات متحده از سوی دیگر، مهم‌ترین عامل محدودکننده روابط دو کشور محسوب می‌شود. بنابراین، سخن گفتن از نقش تحریم‌ها در رکود روابط اقتصادی ایران و ژاپن تکراری و بی‌فایده است.

بنابراین، پژوهش حاضر بر ارائه تعریفی متفاوت از ظرفیت‌های روابط ایران و ژاپن تأکید دارد. به بیان دیگر، پرسش اصلی این است که در شرایط نوین بین‌المللی چه عواملی بر روابط ایران و ژاپن اثرگذار است؟ جایگاه ایران و ژاپن در حوزه‌های کلیدی شکل‌دهنده به روابط دو کشور چگونه است؟ ظرفیت‌های این روابط را در هر یک از این حوزه‌ها چگونه می‌توان تبیین نمود؟ راهبردهای گذار ایران و ژاپن از وضعیت راکد کنونی چه هستند؟ برای پاسخ به این پرسش‌ها، در ابتدا هدف‌ها و اولویت‌های دیپلماسی اقتصادی ژاپن بررسی می‌شود و در ادامه به پرسش‌های مطرح‌شده پاسخ داده خواهد شد.

دیپلماسی اقتصادی ژاپن: اهداف و اولویت‌ها

دیپلماسی اقتصادی ژاپن به‌عنوان سومین قدرت اقتصادی جهان نوعی تداوم و تغییر را تجربه کرده است. این کشور از یکسو می‌کوشد تا خود را با روندهای در حال دگرگونی اقتصاد و سیاست جهانی تطبیق دهد و از طرف دیگر، در شکل‌دهی به روندهای کلیدی اقتصاد و تجارت جهانی نقش‌آفرین باشد. به همین دلیل، دیپلماسی اقتصادی ژاپن در سطح کلان در دهه‌های اخیر همواره از نوعی ثبات برخوردار بوده است؛

بدان معنا که از نظام تجارت چندجانبه و قاعده‌مند حمایت کرده و در راستای تأثیرگذاری بیشتر بر تجارت جهانی، همواره سیاست‌های خود را متحول نموده‌است.

نخستین برنامه عملیاتی که به دیپلماسی اقتصادی ژاپن در سطح کلان جهت می‌دهد، **برنامه اقدام برای شکل جدیدی از سرمایه‌داری**^۱ است. این برنامه طرحی جامع است که توسط فومیو کیشیدا (نخست‌وزیر ژاپن) در ژوئن ۲۰۲۲ ترسیم شده‌است. هدف کلان این طرح، احیای اقتصاد ژاپن و رسیدگی به چالش‌های مختلف اجتماعی از طریق رویکردی نوین و دگرگون‌کننده به سرمایه‌داری است. این طرح در سطح کلان بر سرمایه‌گذاری در [حوزه] نیروی انسانی، فناوری و استارت‌آپ‌ها تأکید می‌کند و رشد پایدار و توزیع عادلانه ثروت را نیز ارتقا می‌دهد. ارکان کلیدی این برنامه اقدام به شرح زیر است:

۱,۱) سرمایه‌گذاری در نیروی انسانی

هدف این طرح افزایش سرمایه انسانی از طریق افزایش دستمزد، تسهیل تحرک نیروی کار و تشویق انباشت دارایی است. در این راستا اقداماتی برای حمایت و مراقبت از کودکان، آموزش و فرصت‌های یادگیری مادام‌العمر در دستور کار قرار گرفته‌است.

۲,۱) علم، فناوری و نوآوری (STI)

این طرح به دنبال تقویت قابلیت‌های فناورانه ژاپن با تقویت نوآوری در زمینه‌های کلیدی مانند تحول سبز^۲ (GX) و تحول دیجیتال^۳ (DX) است. همچنین، ترویج همکاری میان دانشگاه، صنعت و دولت نیز در کانون این برنامه قرار دارد.

۳,۱) استارت‌آپ‌ها

از دیگر هدف‌های این طرح، توسعه اکوسیستم استارت‌آپی چابک با تأمین بودجه، پشتیبانی نظارتی و به‌کارگیری نخبگان با ایجاد مراکز راه‌اندازی، گسترش سرمایه‌گذاری خطرپذیر و ساده‌سازی مقررات است.

۴,۱) دگرگونی سبز و دیجیتال

این طرح به دنبال دستیابی به اقتصادی پایدار و دیجیتال با ترویج نوآوری سبز و تحول دیجیتال در بخش‌های مختلف است. در این راستا، سرمایه‌گذاری در انرژی‌های تجدیدپذیر، توسعه زیرساخت‌ها و آموزش مهارت‌های دیجیتال در دستور کار قرار گرفته‌است.

1- The Grand Design and Action Plan for a New Form of Capitalism

2- green transformation

3- digital transformation

۵,۱) چرخه فضیلت‌مند رشد و توزیع^۱

یکی دیگر از اهداف این برنامه، ایجاد چرخه اقتصادی پایدار است که در آن، رشد به افزایش توزیع ثروت به نفع همه شهروندان می‌انجامد.

۶,۱) امنیت اقتصادی

این طرح به دنبال تقویت انعطاف‌پذیری اقتصادی ژاپن در محیط جهانی نامطمئن با متنوع‌سازی زنجیره‌های تأمین، افزایش رقابت‌پذیری فناورانه و ارتقای امنیت انرژی است.

۷,۱) دستیابی به جامعه‌ای پایدار و فراگیر

این طرح، با رسیدگی به چالش‌های اجتماعی مانند نابرابری در درآمد، تغییرات جمعیتی و نگرانی‌های زیست‌محیطی، ایجاد جامعه‌ای عادلانه‌تر و پایدارتر را دنبال می‌کند.

طرح بزرگ و برنامه اقدام برای شکل جدیدی از سرمایه‌داری، نشان‌دهنده تغییر قابل توجهی در رویکردها و سیاست‌های اقتصادی ژاپن است. این طرح نه تنها بر نقش دولت در هدایت و حمایت از تحول اقتصادی تأکید می‌کند، بلکه اهمیت نیروهای بازار و نوآوری بخش خصوصی را نیز به رسمیت می‌شناسد. بنابراین، می‌توان گفت که هدف ژاپن در این استراتژی کلان، بازاندیشی در مسیر توسعه خود و هم‌گام ساختن آن با الزامات رشد فراگیر، کم‌کربن و دیجیتال در داخل و نیز تطبیق با محیط بین‌المللی دگرگون‌شونده و نامطمئن است.

دومین سندی که برای درک دیپلماسی اقتصادی ژاپن و اولویت‌های آن اهمیت دارد، جدیدترین سند، به نام «اقتصاد جهانی و تجارت در سال ۲۰۲۳» است که به‌تازگی از سوی وزارت اقتصاد، تجارت و صنعت این کشور منتشر شده است. از همین رو، در ادامه نکات کلیدی این سند ارائه می‌شود تا چارچوب کلان سیاست تجاری و اقتصادی ژاپن ترسیم گردد.

این سند مروری کلی از روندها و سیاست‌های تجارت جهانی با تمرکز ویژه بر موقعیت ژاپن در سیستم تجارت بین‌الملل ارائه و چالش‌ها و فرصت‌های پیشروی اقتصاد و تجارت جهانی را برجسته می‌کند؛ همچنین رویکرد استراتژیک ژاپن برای ارتقای رشد اقتصادی و حفظ انعطاف‌پذیری از طریق تجارت را تشریح می‌کند.

سند بر پیوستگی اقتصاد جهانی و اهمیت همکاری بین‌المللی در پرداختن به چالش‌های مشترک مانند:

پیامدهای میان‌مدت همه‌گیری کووید ۱۹، تغییرات آب‌وهوایی و تنش‌های ژئوپلیتیکی تأکید می‌کند. از منظر سند، وابستگی متقابل پیچیده در اقتصاد جهانی، نیاز به سیستم تجاری چندجانبه مبتنی بر قوانین را ضروری می‌سازد؛ نظامی که اکنون، سازمان تجارت جهانی (WTO) نقش محوری در آن ایفا می‌کند و باید نقش آن تداوم یابد. در این سند، چندین روند کلیدی که چشم‌انداز تجارت جهانی را شکل می‌دهند، بررسی می‌شود. مهم‌ترین این روندها عبارت‌اند از:

۱. افزایش تجارت دیجیتال و اهمیت روزافزون جریان داده‌ها

از منظر این سند، فناوری‌های دیجیتال تجارت را متحول و فرصت‌ها و چالش‌های جدیدی را فراهم می‌سازد. در این سند تأکید شده‌است که ژاپن متعهد به ترویج جریان آزاد داده‌ها و هم‌زمان، تضمین امنیت داده‌ها و حریم خصوصی است.

۲. تمرکز فزاینده بر ملاحظات زیست‌محیطی و توسعه پایدار

در این سند، ملاحظات زیست‌محیطی به‌طور فزاینده‌ای در طراحی و اجرای سیاست‌های تجاری مورد بررسی کشورها قرار می‌گیرد. توجه فزاینده کشورها به چالش‌های زیست‌محیطی، منعکس‌کننده فوریت پرداختن به تغییرات آب‌وهوا و سایر چالش‌های زیست‌محیطی است. سند تأکید دارد که ژاپن در حال ترویج شیوه‌های تجاری پایدار، مانند کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای ناشی از تجارت و ترویج استفاده از محصولات و خدمات سازگار با محیط‌زیست است.

۳. تغییر چشم‌انداز ژئوپلیتیکی و نیاز به امنیت اقتصادی

از منظر سند، تنش‌های ژئوپلیتیک و همه‌گیری کووید ۱۹ اهمیت تضمین زنجیره تأمین قابل‌اعتماد و کاهش وابستگی به واردات حیاتی را برجسته کرده‌است. ژاپن هم‌زمان با ترویج تجارت آزاد، تدابیر امنیت اقتصادی خود را تقویت می‌کند.

در بخشی دیگر، سند دیپلماسی اقتصادی ژاپن در پاسخ به این روندها و چالش‌ها، اولویت‌های سیاست تجاری این کشور را به‌صورت زیر ترسیم می‌کند:

- بهبود اقتصادی و تاب‌آوری

ژاپن به حمایت از بهبود اقتصاد جهانی پس از همه‌گیری کووید ۱۹ و تقویت انعطاف‌پذیری در برابر شوک‌های آینده، متعهد است. در این راستا، توسعه تجارت و سرمایه‌گذاری، توسعه دیجیتال شدن و نوآوری، و رسیدگی به اختلالات زنجیره تأمین در اولویت سیاست تجاری این کشور قرار دارد.

- تقویت نظام تجاری چندجانبه

ژاپن حامی قدرتمند سازمان تجارت جهانی و سیستم تجارت چندجانبه مبتنی بر قوانین است. این کشور فعالانه در مذاکرات سازمان تجارت جهانی، از جمله مذاکرات در مورد تجارت الکترونیک، یارانه‌های شیلات و تجارت و پایداری زیست‌محیطی شرکت دارد.

- تعمیق یکپارچگی اقتصادی منطقه‌ای

ژاپن به‌طور فعال، یکپارچگی اقتصادی منطقه‌ای را از طریق ابتکاراتی مانند موافقت‌نامه جامع و مترقی برای مشارکت ترانس پاسیفیک (CPTPP) و مشارکت اقتصادی جامع منطقه‌ای (RCEP) ترویج می‌کند. هدف این قراردادها کاهش تعرفه‌ها، تسهیل تجارت و ترویج سرمایه‌گذاری است.

- توسعه تجارت پایدار

ژاپن به ترویج شیوه‌های تجاری پایدار، متعهد است. این شیوه‌ها شامل کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای ناشی از تجارت، ترویج استفاده از محصولات و خدمات پایدار و پرداختن به اثرات زیست‌محیطی تجارت است.

- تسهیل تجارت

ژاپن در تلاش است تا کارایی و شفافیت رویه‌های تجاری خود را از طریق دیجیتالی‌کردن رویه‌های گمرکی، ساده‌سازی الزامات نظارتی و فرایندهای ترخیص کالا بهبود بخشد.

- توسعه تجارت فراگیر

اطمینان از توزیع منافع ناشی از تجارت میان گروه‌های مختلف شهروندان برای ژاپن از اهمیت برخوردار است. توزیع منصفانه منافع ناشی از تجارت با گسترش فرصت‌های تجاری برای شرکت‌های کوچک و متوسط (SMEs)، ارتقای توانمندی اقتصادی زنان و حمایت از کشورهای در حال توسعه حاصل می‌شود و ژاپن متعهد به در نظر گرفتن این شیوه‌ها در اجرای سیاست تجاری خویش است.^۱

قانون ارتقای امنیت اقتصادی ژاپن (EPSA) که در مه ۲۰۲۲ تصویب شد، یکی دیگر از اسناد کلیدی شکل‌دهنده به دیپلماسی اقتصادی ژاپن است. این قانون چارچوبی برای تقویت امنیت اقتصادی این کشور را فراهم می‌آورد و هدف آن، رسیدگی به آسیب‌پذیری‌های حیاتی زنجیره تأمین، حفاظت از زیرساخت‌های ضروری، تقویت نوآوری در فناوری‌های استراتژیک و افزایش کنترل‌های صادراتی از طریق رویکردی

1- https://www.mofa.go.jp/policy/other/bluebook/2023/en_html/chapter3/c030301.html

چندجانبه است.

در همین راستا، قانون امنیت اقتصادی به دولت اجازه می‌دهد تا برای کاهش اتکا به تأمین‌کنندگان خارجی، محصولات و صنایع مهم را مشخص کند. شرکت‌هایی که در این بخش‌ها فعالیت می‌کنند، موظف هستند که برنامه‌های اضطراری را برای اطمینان از عرضه پایدار این کالاها، حتی در صورت بروز اختلال، توسعه دهند. همچنین، این قانون همکاری میان مشاغل، مؤسسات تحقیقاتی و سازمان‌های دولتی را برای ارتقای تولید داخلی و تنوع‌بخشیدن به منابع تأمین تشویق می‌کند و در نتیجه، خوداتکایی ژاپن را افزایش می‌دهد.

افزون بر این، قانون ارتقای امنیت اقتصادی ژاپن چارچوبی قوی برای شناسایی، ارزیابی و حفاظت از زیرساخت‌های حیاتی ایجاد می‌کند که شامل سیستم‌های انرژی، حمل‌ونقل و مخابرات می‌شود. ارزیابی دقیق ریسک، رویه‌های مدیریت آسیب‌پذیری و طرح‌های واکنش به حادثه را برای تقویت انعطاف‌پذیری در برابر حملات سایبری و اختلالات الزامی می‌کند و در نتیجه، از عملکردهای زیرساخت‌های حیاتی کشور محافظت می‌کند.

قانون ارتقای امنیت اقتصادی ژاپن با درک اهمیت استراتژیک فناوری‌های پیشرفته، توسعه آن‌ها را برای ارتقای امنیت ملی و رقابت اقتصادی ژاپن ترویج می‌کند. حمایت مالی را برای فعالیت‌های تحقیق و توسعه فراهم می‌کند، همکاری‌های بین دانشگاه‌ها، محققان و صنعت را تقویت می‌کند و انتقال فناوری از مؤسسات تحقیقاتی به مشاغل را تسهیل می‌کند. هدف این رویکرد تسریع پیشرفت‌های تکنولوژیکی ژاپن و حفظ برتری آن در صنایع کلیدی است.

کنترل‌های صادراتی پیشرفته یکی دیگر از ابعاد مهم این قانون است که برای جلوگیری از گسترش فناوری‌ها و کالاهای حساس که می‌توانند تهدیدی برای امنیت یا منافع ملی ژاپن باشند، اقدامات کنترل صادرات را تقویت می‌کند؛ دامنه کالاها و فناوری‌های کنترل‌شده را گسترش می‌دهد؛ و مجازات‌های سخت‌تری را برای عدم انطباق در نظر می‌گیرد. هدف این نظارت تقویت‌شده، حفاظت از قابلیت‌های فناوری ژاپن و درعین حال، کاهش سوءاستفاده احتمالی توسط نهادهای خارجی است.

این قانون نمادی از درک جدید ژاپن از پیوند ناگسستنی میان امنیت اقتصادی و امنیت ملی است. بنابراین، با پرداختن به آسیب‌پذیری‌های زنجیره تأمین، حفاظت از زیرساخت‌های حیاتی، تقویت نوآوری و تقویت کنترل‌های صادراتی، به دنبال افزایش انعطاف‌پذیری ژاپن در برابر اقدامات قهرآمیز اقتصادی، محافظت از برتری تکنولوژیکی آن و حفاظت از منافع ملی در جهانی به هم پیوسته و

پیچیده است.^۱

تازه‌ترین راهبرد ژاپن در تجارت منطقه‌ای، مشارکت فعالانه در پیشبرد همکاری اقتصادی و سیاسی در قالب چارچوب همکاری هند و اقیانوس آرام آزاد و باز (FOIP) است. منطقه هند و اقیانوس آرام، کانون رشد اقتصادی جهانی و پویایی‌های ژئوپلیتیکی است. ژاپن با درک اهمیت استراتژیک خود، چشم‌اندازی را برای شکل‌دهی به منطقه هند و اقیانوس آرام آزاد و باز (FOIP) تدوین کرده‌است. ژاپن مدعی است که این چارچوب، به‌عنوان طرحی برای همکاری و ثبات منطقه‌ای عمل می‌کند و رفاه و امنیت مشترک را ارتقا می‌دهد. اصول اساسی این ابتکار هم‌گرایانه عبارت‌اند از:

(۱) حاکمیت قانون

پایبندی به نظم مبتنی بر قوانین، حمایت از قوانین بین‌المللی و مکانیسم‌های حل و فصل صلح‌آمیز اختلاف؛

(۲) تجارت آزاد

ایجاد محیطی مساعد برای جریان‌های تجاری و سرمایه‌گذاری بدون مانع، و ترویج پویایی اقتصادی؛

(۳) آزادی ناوبری

تضمین عبور بدون مانع کشتی‌ها از آبراه‌های بین‌المللی و حفاظت از آزادی دریایی؛

(۴) گشودگی و فراگیر بودن

استقبال از مشارکت تمام ذی‌نفعان منطقه‌ای بدون در نظر گرفتن وسعت کشور یا میزان قدرت یا نظام سیاسی آن، در راستای تقویت گفتگو و همکاری.

ارکان عملیاتی این ابتکار نیز عبارت‌اند از:

(۱) قاعده‌مندی

همکاری با شرکا برای ایجاد و حمایت از قوانین بین‌المللی عادلانه و شفاف حاکم بر تعامل اقتصادی؛

(۲) اتصالات منطقه‌ای

ایجاد شبکه‌های زیرساختی فیزیکی، دیجیتالی و نهادی قوی، افزایش یکپارچگی منطقه‌ای و تسهیل جریان

1- [https://www.iiss.org/publications/strategic-comments/2022/japans-economic-security-promotion-act-and-the-implications-for-businesses#:~:text=The%20Economic%20Security%20Promotion%20Act%20has%20four%20pillars%20\(see%20Figure,metals%20in%20the%20202010s%2C%20or](https://www.iiss.org/publications/strategic-comments/2022/japans-economic-security-promotion-act-and-the-implications-for-businesses#:~:text=The%20Economic%20Security%20Promotion%20Act%20has%20four%20pillars%20(see%20Figure,metals%20in%20the%20202010s%2C%20or)

کالاها، خدمات و اطلاعات؛

۳ حکمرانی

تقویت نهادها و چارچوب‌های حکمرانی منطقه‌ای، ترویج شفافیت، پاسخ‌گویی و شیوه‌های حکمرانی خوب؛

۴ امنیت

تضمین امنیت و ایمنی دریایی، رسیدگی به چالش‌های امنیتی.

همچنین چند عامل در توجه و تمرکز ژاپن بر این ابتکار مؤثر بوده‌است:

۱) نگرانی‌های ژئوپلیتیکی

از منظر ژاپن، ظهور چین و سیاست‌های تهاجمی فزاینده آن، نیازمند رویکردی فعال برای حفظ ثبات منطقه‌ای است.

۲) منافع اقتصادی

اقیانوس هند- پاسیفیک موتور رشد اقتصاد جهانی و تضمین ثبات آن برای شکوفایی اقتصادی ژاپن حیاتی است.

۳) مشارکت‌های استراتژیک

همکاری با کشورهای هم‌فکر، موقعیت ژاپن را تقویت و منافع مشترک را ارتقا می‌دهد.^۱ این ابتکار هنوز در مراحل اولیه قرار دارد، اما با توجه به تنش فزاینده میان قدرت‌های بزرگ، احتمالاً اهمیت بیشتری خواهد یافت.

۴. استراتژی امنیت انرژی ژاپن

استراتژی امنیت انرژی یکی دیگر از مؤلفه‌های کلیدی و شاید کلیدی‌ترین مولفه تأثیرگذار بر روابط این کشور با کشورهای خلیج فارس و از جمله ایران است. از همین رو، توجه به مؤلفه‌های شکل‌دهنده آن ضرورت دارد.

استراتژی امنیت انرژی ژاپن رویکردی چندوجهی است که مجموعه‌ای از اقدامات را با هدف تضمین تأمین انرژی پایدار و قابل‌اعتماد برای این کشور در بر می‌گیرد. این استراتژی بر مبنای عناصر

1- <https://www.mofa.go.jp/policy/other/bluebook/2020/html/feature/f0104.html>

کلیدی، از جمله تنوع منابع انرژی، افزایش بهره‌وری انرژی، بهبود زیرساخت‌های انرژی، ارتقای همکاری‌های بین‌المللی و رسیدگی به نگرانی‌های زیست‌محیطی شکل گرفته است.

(۱) تنوع بخشی به منابع انرژی

به لحاظ تاریخی، اتکای ژاپن به سوخت‌های فسیلی وارداتی یکی از نگرانی‌های اصلی برای امنیت انرژی بوده است. در سال‌های اخیر، این کشور با افزایش سهم انرژی‌های تجدیدپذیر و سرمایه‌گذاری در فناوری‌های جدید مانند جذب و ذخیره‌سازی هیدروژن و کربن (CCS) گام‌هایی برای تنوع‌بخشیدن به منابع انرژی خود برداشته است. دولت اهداف بلندپروازانه‌ای را برای تولید انرژی‌های تجدیدپذیر، با هدف دستیابی به ۲۲ درصد از کل مصرف انرژی از منابع تجدیدپذیر تا سال ۲۰۳۰ تعیین کرده است.

(۲) افزایش بهره‌وری انرژی

بهره‌وری انرژی یکی دیگر از عناصر کلیدی استراتژی امنیت انرژی ژاپن است. در این راستا، این کشور هدف خود را بهبود ۴۰ درصدی بهره‌وری انرژی تا سال ۲۰۳۰ نسبت به سال ۲۰۱۳ تعیین کرده است. دولت طیفی از اقدامات را برای ارتقای بهره‌وری انرژی مانند تعیین حداقل استانداردهای بهره‌وری انرژی برای ماشین‌آلات وسایل نقلیه، در دست اجرا دارد.

(۳) بهبود زیرساخت انرژی

زیرساخت انرژی ژاپن برای حمایت از اهداف امنیت انرژی این کشور به سرمایه‌گذاری قابل توجهی نیاز دارد. این سرمایه‌گذاری‌ها شامل ارتقای شبکه برق، گسترش خطوط لوله گاز طبیعی و ساخت بنادر و پایانه‌های جدید برای واردات گاز طبیعی مایع (LNG) است. برای همین، دولت به‌صورتی گسترده در زیرساخت‌های انرژی سرمایه‌گذاری می‌کند و با بخش خصوصی برای توسعه راه‌حل‌های نوآورانه همکاری می‌کند.

(۴) توسعه همکاری‌های بین‌المللی

ژاپن عضو کلیدی سازمان‌های بین‌المللی مانند آژانس بین‌المللی انرژی (IEA) است که بر امنیت انرژی تمرکز دارند. همچنین ژاپن با سایر کشورها برای توسعه بازارهای بین‌المللی انرژی و اطمینان از دسترسی مطمئن به منابع انرژی همکاری می‌کند. این همکاری‌ها شامل پروژه‌های توسعه مشترک و به اشتراک گذاشتن بهترین شیوه‌ها می‌شود.

۵) رسیدگی به نگرانی‌های زیست‌محیطی

ژاپن به کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای و مقابله با تغییرات آب‌وهوایی پایبند است. این کشور در حال حذف تدریجی زغال‌سنگ و توسعه سرمایه‌گذاری در انرژی‌های تجدیدپذیر و فناوری‌های پاک است. اقدامات ژاپن در این حوزه نه تنها یک الزام زیست‌محیطی، بلکه گامی به سوی افزایش امنیت انرژی است؛ زیرا منابع جهانی سوخت فسیلی به‌طور فزاینده‌ای محدود می‌شود.

استراتژی امنیت انرژی ژاپن جامع و بلندپروازانه است و نشان‌دهنده تمرکز و سواس‌گونه برای اطمینان از تأمین نیازهای انرژی آینده این کشور است. ژاپن با تنوع‌بخشیدن به منابع انرژی، افزایش بهره‌وری انرژی، بهبود زیرساخت‌های انرژی، توسعه همکاری‌های بین‌المللی و رسیدگی به نگرانی‌های زیست‌محیطی، رویکردی جامع به امنیت انرژی در پیش گرفته است. استراتژی جدید امنیت انرژی ژاپن بر روابط این کشور با منطقه خلیج فارس تأثیرات روبه‌افزایش دارد. در ادامه، به‌صورت مفصل‌تر به این موضوع خواهیم پرداخت.

گزارش دوره‌ای سازمان تجارت جهانی تحت عنوان «مرور سیاست تجاری ژاپن» که در مارس ۲۰۲۳ منتشر شد، ابعاد دیگری از سیاست‌های اقتصادی و تجاری ژاپن را برجسته می‌سازد. نکات کلیدی این گزارش به شرح زیر است:

۱) اهمیت ژاپن در تجارت جهانی

این گزارش بر نقش حیاتی ژاپن در تجارت جهانی تأکید می‌کند و موقعیت این کشور را به‌عنوان شریک تجاری و سرمایه‌گذاری کلیدی برای بسیاری از اعضای سازمان تجارت جهانی را برجسته می‌کند.

۲) بهبود اقتصادی با وجود چالش

اقتصاد ژاپن با وجود اختلالات زنجیره تأمین جهانی، جنگ اوکراین و تأثیرات تغییرات آب‌وهوایی، رو به بهبود است.

۳) تمرکز بر امنیت اقتصادی

قانون ارتقای امنیت اقتصادی که به‌تازگی از سوی دولت ژاپن تصویب شده است (در بالا نیز به آن اشاره شد)، نگرانی‌هایی را در میان اعضای سازمان تجارت جهانی در مورد تأثیر بالقوه آن بر شفافیت و اصول عدم تبعیض ایجاد کرده است.

۴) چارچوب لیبرال سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی

ژاپن برای سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی (FDI) رویکردی لیبرال دارد که محدودیت‌های کمی دارد. با این حال، نگرانی‌هایی در مورد الزامات سخت‌گیرانه و تبعیض‌آمیز برای جذب FDI وجود دارد.

۵) تحولات سیاست کشاورزی

این گزارش اصلاحات انجام‌شده در چارچوب سیاست کشاورزی ژاپن، از جمله برنامه غذا، کشاورزی و روستایی، و استراتژی تحقق توسعه صادرات محصولات کشاورزی، جنگل‌داری و شیلات و مواد غذایی را مورد بررسی قرار می‌دهد.

۶) شفافیت سیاست تجاری

تعهد ژاپن به شفافیت، با ارسال اطلاعیه‌های منظم به سازمان تجارت جهانی و مشارکت در موافقت‌نامه‌های تجاری گوناگون، تأیید شده‌است. با این حال، زمینه‌هایی برای بهبود، مانند ارائه اطلاعات دقیق‌تر در مورد اقدامات خاص، شناسایی شده‌است.

۷) چالش‌ها در بخش خدمات

این گزارش بر موانع باقی‌مانده در بخش خدمات، به‌ویژه در زمینه‌هایی مانند خدمات حقوقی و خدمات حرفه‌ای تأکید می‌کند. اعضا از ژاپن خواستند که این بخش را بیشتر آزاد کند.

۸) مکانیسم حل و فصل اختلافات سازمان تجارت جهانی

مشارکت فعال ژاپن در مکانیسم حل و فصل اختلافات سازمان تجارت جهانی به رسمیت شناخته شده‌است، اما نگرانی‌هایی در مورد تأثیر بالقوه قانون ارتقای امنیت اقتصادی بر پیروی از احکام سازمان تجارت جهانی ابراز شده‌است.

۹) اهمیت همکاری تجاری چندجانبه

این گزارش بر اهمیت همکاری تجاری چندجانبه تأکید می‌کند و ژاپن را تشویق می‌کند تا به ایفای نقش پیشرو در تقویت سازمان تجارت جهانی و سیستم تجارت جهانی ادامه دهد.

۱۰) حوزه‌هایی برای اصلاحات بیشتر

اعضای سازمان تجارت جهانی چندین حوزه را که ژاپن می‌تواند سیاست‌های تجاری خود را اصلاح کند،

شناسایی کردند؛ مانند کاهش تعرفه‌های کشاورزی، ساده‌سازی رویه‌های گمرکی و رفع موانع غیرتعرفه‌ای در بخش خدمات.^۱

توجه به نکات کلیدی این گزارش از آن‌رو اهمیت دارد که بررسی دقیق و جامعی که با مشارکت شرکا و رقبای ژاپن در تجارت جهانی انجام شده را بازتاب می‌دهد و تصویری از وضعیت سیاست تجاری این کشور و دیپلماسی اقتصادی آن ارائه می‌دهد.

روند تحول در تجارت خارجی ژاپن در عمل

روشن است که اقتصاد ژاپن به‌شدت به تجارت خارجی وابسته است. صادرات کالا از ژاپن در سال ۲۰۲۲ به ۷۴۶٫۹ میلیارد دلار رسید که اندکی نسبت به ۷۵۶ میلیارد دلار در سال ۲۰۲۱ کاهش یافت. از سوی دیگر، واردات کالا به ۸۹۷٫۲ میلیارد دلار در سال ۲۰۲۲ رسید که نسبت به ۷۶۹ میلیارد دلار در سال ۲۰۲۱ افزایش قابل توجهی داشته‌است. به دیگر سخن، کسری تراز تجاری به ۴۰ میلیارد دلار در سال ۲۰۲۲ افزایش یافته است.

چین در سال ۲۰۲۲ به‌عنوان مقصد اصلی صادرات ژاپن باقی ماند و حدود ۲۳ درصد از کل صادرات را به خود اختصاص داد. ایالات متحده حدود ۱۹ درصد از صادرات ژاپن را در این سال به خود اختصاص داد. دیگر مقاصد صادراتی تایوان، کره جنوبی و هنگ‌کنگ بود. بیشترین صادرات شامل ماشین‌آلات غیربرقی (۱۹٫۷ درصد صادرات)، تجهیزات حمل‌ونقل (۱۹٫۵ درصد)، ماشین‌آلات الکتریکی (۱۸٫۴ درصد) و مواد شیمیایی (۱۲٫۷ درصد) بوده‌است. چین به‌عنوان بزرگ‌ترین منبع واردات ژاپن در سال ۲۰۲۲ (با سهم ۲۵٫۸ درصد) بود و پس از آن ایالات متحده، استرالیا، تایوان و کره جنوبی قرار گرفتند.

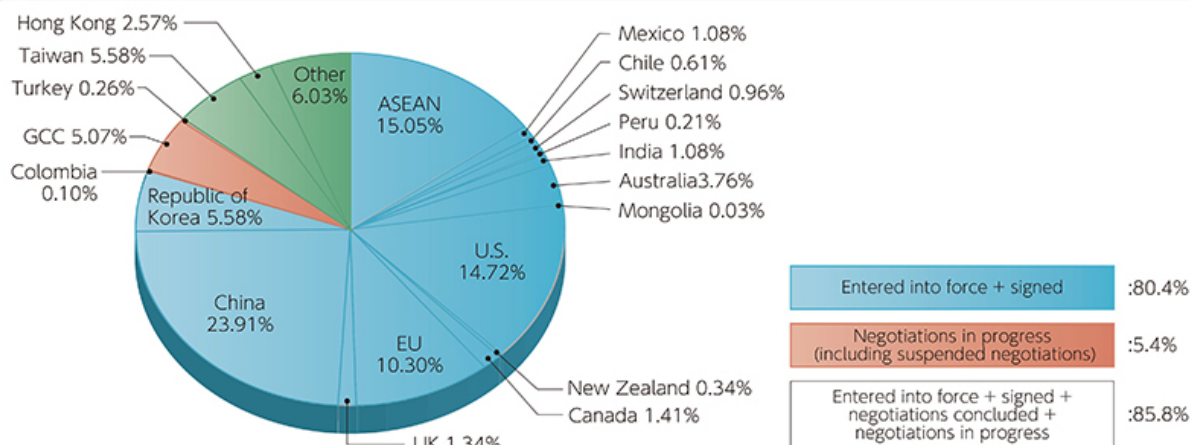
از طرفی دیگر، بیشترین واردات ژاپن در سال ۲۰۲۲ شامل انرژی، ماشین‌آلات الکتریکی، مواد شیمیایی، کالاهای تولیدی و ماشین‌آلات غیرالکتریکی بوده‌است.

ژاپن یکی از اعضای سازمان تجارت جهانی، OECD و گروه هفت و دارای هجده موافقت‌نامه تجارت آزاد دوجانبه (FTA) یا موافقت‌نامه مشارکت اقتصادی با دیگر کشورها و سازمان‌هاست؛ که در ابتدا، شامل ایالات متحده، بریتانیا، اتحادیه اروپا و اتحادیه کشورهای جنوب شرق آسیا (آسه‌آن) می‌شود. سایر شرکای ژاپن نیز در قالب این موافقت‌نامه‌ها عبارت‌اند از: استرالیا، برونزی، شیلی، هند، اندونزی، مالزی، مکزیک، مغولستان، پرو، فیلیپین، سنگاپور، سوئیس، تایلند و ویتنام. عمده تجارت ژاپن با جهان خارج در قالب این موافقت‌نامه‌ها جریان می‌یابد. نمودار ذیل این روند را نشان می‌دهد.

1- https://www.wto.org/english/tratop_e/tpr_e/tp538_e.htm

نمودار ۱- جایگاه کشورها و بلوک‌های اقتصادی در تجارت خارجی ژاپن (۲۰۲۱)

Percentages of Japan's economic partnership agreement partner countries and regions within Japan's total trade



Source: Trade Statistics of Japan by the Ministry of Finance (released in March 2021)
(Percentages of each country's trade value are rounded to the nearest hundredth)

این کشور همچنین یکی از امضاکنندگان توافق‌نامه جامع و مترقی موسوم به مشارکت ترانس پاسیفیک است. این توافق بزرگ تجاری از سال ۲۰۱۹ اجرایی شد. ژاپن همچنین یکی از طرف‌های موافقت‌نامه مشارکت اقتصادی جامع منطقه‌ای است که در ژانویه ۲۰۲۲ لازم‌الاجرا شد. این موافقت‌نامه بزرگ‌ترین موافقت‌نامه تجارت آزاد جهان است.

خاورمیانه در سیاست خارجی و دیپلماسی اقتصادی ژاپن

از منظر ژاپن، خاورمیانه و شمال آفریقا به دلیل موقعیت استراتژیک، منابع انرژی فراوان و فرصت‌های بالقوه بازار، منطقه‌ای کلیدی در سیاست خارجی محسوب می‌شود. دیپلماسی ژاپن در منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا بر ارتقای صلح و ثبات، تقویت همکاری‌های اقتصادی و رسیدگی به چالش‌های جهانی مانند تروریسم و تغییرات آب‌وهوایی متمرکز است. از نظر دولت ژاپن مسائل کلیدی خاورمیانه و شمال آفریقا عبارت‌اند از:

(۱) صلح و ثبات

ژاپن مدعی است که فعالانه در تلاش‌های صلح‌سازی در منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا، از جمله حمایت از روند صلح خاورمیانه و ارائه کمک‌های بشردوستانه به مناطق آسیب‌دیده از درگیری، مشارکت داشته است و گفت‌وگو و همکاری میان کشورهای منطقه را برای رسیدگی به علل ریشه‌ای بی‌ثباتی، ترویج می‌کند.

۲) همکاری اقتصادی

ژاپن یک سرمایه‌گذار عمده در خاورمیانه و شمال آفریقا، به‌ویژه در بخش انرژی است. همچنین ژاپن توسعه زیرساخت‌ها و ابتکارات تنوع‌بخشی اقتصادی را برای حمایت از رشد اقتصادی پایدار در منطقه ترویج می‌کند.

۳) رسیدگی به چالش‌های جهانی

ژاپن با کشورهای منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا برای مقابله با چالش‌های جهانی مانند تروریسم، تغییرات آب‌وهوایی و بحران پناهندگان همکاری می‌کند.

۴) چارچوب‌های همکاری منطقه‌ای

ژاپن در چارچوب‌های همکاری منطقه‌ای مانند همکاری‌های توسعه اقتصادی خاورمیانه و شمال آفریقا برای رسیدگی به چالش‌های مشترک و ارتقای یکپارچگی منطقه‌ای شرکت می‌کند.^۱

از منظر تجاری، منطقه خاورمیانه جایگاه برجسته‌ای در چشم‌انداز تجارت خارجی ژاپن دارد و سهم قابل توجهی از حجم کل تجارت این کشور را به خود اختصاص می‌دهد. در سال ۲۰۲۲، خاورمیانه تقریباً ۱۴٫۸ درصد از کل تجارت ژاپن را به خود اختصاص داد.

عربستان سعودی بزرگ‌ترین شریک تجاری ژاپن در خاورمیانه است. بر مبنای آمارهای سال ۲۰۲۲، ۷٫۴ درصد از تجارت ژاپن با عربستان صورت می‌گیرد. امارات متحده عربی، کویت و قطر به ترتیب ۴٫۶ درصد، ۲٫۱ درصد و ۱٫۳ درصد از کل تجارت ژاپن را به خود اختصاص دادند.

در سال ۲۰۲۲، واردات از خاورمیانه ۱۴٫۵ درصد از کل واردات ژاپن را تشکیل داد. نفت خام همچنان در سبد واردات غالب است. در زمینه صادرات، ژاپن ۱۵٫۱ درصد از کل صادرات خود را به خاورمیانه صورت داده‌است. ماشین‌آلات و لوازم الکتریکی اقلام عمده صادراتی را تشکیل می‌دهند.

ژاپن، چهارمین خریدار بزرگ نفت جهان، ۹۵ درصد نفت خام خود را از خاورمیانه وارد می‌کند. وابستگی ژاپن به نفت خاورمیانه در دهه‌های اخیر به‌شدت رشد کرده و در میان واردکنندگان عمده نفت بی‌نظیر است. در مقام مقایسه، در زمان تحریم نفتی توسط اعراب در سال ۱۹۷۳، ژاپن ۷۷ درصد نفت خود را از کشورهای حوزه خلیج فارس وارد می‌کرد.

از ۲٫۷۵ میلیون بشکه در روز، نفت وارداتی ژاپن در اوت ۲۰۲۳، عربستان سعودی (۱٫۱۴ میلیون بشکه در روز)

1- https://www.mofa.go.jp/region/middle_e/index.html

و امارات متحده عربی (۱,۱۲ میلیون بشکه در روز) بزرگ‌ترین تأمین‌کنندگان نفت بودند و کویت ۲۰۰,۰۰۰ بشکه در روز را به خود اختصاص داد. این ارقام به‌خوبی نشان‌دهنده نقش کلیدی خاورمیانه در امنیت انرژی ژاپن است. باوجود آن‌که ایالات متحده بزرگ‌ترین تولیدکننده نفت جهان و مهم‌ترین متحد ژاپن است، تنها یک تأمین‌کننده کوچک برای این کشور محسوب می‌شود؛ به‌گونه‌ای که در ماه اوت [۲۰۲۳] روزانه ۴۲۰,۰۰۰ بشکه نفت به ژاپن صادر کرده‌است.

وابستگی به نفت خام خاورمیانه پس از آن‌که پالایشگاه‌های اصلی ژاپن واردات نفت روسیه را پس از حمله مسکو به اوکراین در فوریه سال گذشته متوقف کردند، افزایش یافت. اگرچه برخی از پالایشگاه‌ها همچنان تا فوریه سال جاری نفت روسیه را به‌طور متناوب وارد می‌کردند. پس از جنگ اوکراین، ژاپن حدود ۱۰۰,۰۰۰ بشکه در روز از روسیه (۴ درصد از نیاز خود) وارد می‌کرد.

در حوزه گاز طبیعی، ژاپن پس از چین دومین واردکننده گاز طبیعی مایع (LNG) در جهان است که برای تولید برق و تأمین گاز شهری استفاده می‌شود و سبد عرضه آن متعادل‌تر است. حدود ۴۰ درصد از ۵,۷ میلیون تن LNG وارداتی توسط ژاپن در ماه اوت، از استرالیا و ۱۲ درصد از سه کشور قطر، عمان و امارات وارد شده‌است.

ژاپن گزینه‌های محدودی برای کاهش وابستگی خود به منابع خاورمیانه، حداقل برای نفت خام، دارد. این کشور می‌تواند به‌دنبال عرضه بیشتر از ایالات متحده باشد یا از کشورهای گروه هفت (G7) که یکی از اعضای آن است، برای خرید نفت خام روسیه، بالاتر از سقف قیمت ۶۰ دلاری که این گروه پس از حمله مسکو به اوکراین تعیین کرده بود، مجوز بگیرد. عرضه نفت به ژاپن از پروژه ساخالین ۲ روسیه، درحال حاضر از سقف معاف است. ژاپن همچنین می‌تواند به‌دنبال خرید نفت در بازار باشد؛ اگرچه در صورت اختلال در حمل‌ونقل خاورمیانه، عرضه موجود برای همه این خریداران به‌شدت کاهش می‌یابد. البته این گزینه‌ها، همگی، چالش‌برانگیزند و تأثیرات قابل توجهی بر کاهش وابستگی ژاپن به انرژی خاورمیانه نخواهند داشت.

وزارت اقتصاد، تجارت و صنعت (METI) ژاپن مدعی است که در صورت بروز اختلال در عرضه کوتاه‌مدت، این کشور می‌تواند از ذخایر عظیم خود که ۴۸۰ میلیون بشکه است و ۲۳۶ روز نیاز آن را تأمین می‌کند، استفاده کند. داده‌های METI نشان می‌دهد که ذخایر LNG که توسط شرکت‌های بزرگ برق ژاپن نگهداری می‌شود و شاخصی کلیدی برای سطح ذخایر است، تا ۲۲ اکتبر ۲,۲۳ میلیون تن بود که بالاتر از میانگین پنج‌ساله ۲,۰۱ میلیون تنی در پایان اکتبر بود. البته در حوزه گاز طبیعی، ژاپن در تلاش برای کاهش واردات است و در همین راستا، نیروگاه‌های هسته‌ای را که پس از فاجعه فوکوشیما در سال ۲۰۱۱



تعطیل شده بود، دوباره راه‌اندازی کرده‌است.^۱

از ۳۳ رآکتوری که ژاپن در حال بررسی راه‌اندازی مجدد آن‌هاست، ۱۲ رآکتور هسته ای را (که برخی از آن‌ها تحت تعمیر و نگهداری برنامه‌ریزی شده هستند) با ظرفیت ترکیبی نزدیک به ۱۲ گیگاوات راه‌اندازی مجدد کرده‌است. هر گیگاوات انرژی هسته‌ای معادل یک میلیون تن LNG در سال است. ژاپن همچنین در راستای کاهش واردات LNG، تمرکز بر توسعه منابع انرژی تجدیدپذیر مانند انرژی‌های خورشیدی و بادی را افزایش داده‌است.

در تصویر کلان، استفاده از سوخت‌های فسیلی در ژاپن (سومین اقتصاد بزرگ) رو به کاهش است. براساس گزارش آژانس بین‌المللی انرژی، تقاضای نفت ژاپن از ۴,۲ میلیون بشکه در روز در سال ۲۰۱۰ به ۳,۳ میلیون بشکه در روز در سال ۲۰۲۱ کاهش یافته و انتظار می‌رود با کاهش جمعیت این کشور و تغییر ریل اقتصاد به سمت کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای، به ۲,۷ میلیون بشکه در روز در سال ۲۰۳۰ برسد. ژاپن قصد دارد استفاده از LNG در بخش برق را از ۳۷ درصد در سال ۲۰۱۹، به ۲۰ درصد تا سال ۲۰۳۰ کاهش دهد.^۲

در همین راستا، فومیو کیشیدا، نخست‌وزیر ژاپن، در ژوئیه ۲۰۲۳ به کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس سفر کرد تا مدل جدید همکاری با این کشورها را رونمایی کند. تبدیل کشورهای خاورمیانه به شرکای انرژی سبز در کانون این سفر قرار داشت. کشورهای حاشیه خلیج فارس به دلیل هزینه کم تولید انرژی خورشیدی در موقعیت مناسبی برای تشکیل یک قطب تولید انرژی سبز قرار دارند.

یکی از توافقات کلیدی این سفر، ابتکار ژاپن و عربستان سعودی با عنوان *فانوس دریایی* است که هدف آن توسعه پروژه‌های انرژی پاک در حوزه‌هایی مانند هیدروژن، آمونیاک و بازیافت کربن است. توافق بین شرکت‌های JERA و ADNOC برای مطالعه همکاری در زمینه هیدروژن و آمونیاک پاک و قرارداد Sumitomo Corp و نفت ملی شارجه برای مطالعه امکان‌سنجی پروژه جذب و ذخیره کربن در امارات از دیگر توافقات مهم بود. سایر قراردادها شامل مطالعات مشترک برای تولید فلز کم‌کربن و گزینه‌های زنجیره تأمین آینده است. ژاپن در الکترولیز هیدروژن ساخته‌شده از منابع تجدیدپذیر و پیرولیز برای تولید هیدروژن از متان تخصص دارد.

در میان انرژی‌های پاک، ژاپن بر هیدروژن تمرکز بیشتری کرده و متعهد شده‌است که در پانزده سال آینده، بیش از ۱۰۰ میلیارد دلار در این حوزه سرمایه‌گذاری کند تا عرضه تضمین‌شده در داخل و خارج از کشور را افزایش دهد. ژاپن به‌طور فعال در فناوری‌ها و پروژه‌های هیدروژن در سراسر جهان سرمایه‌گذاری

1- <https://www.mei.edu/publications/japan-looks-gulf-it-bets-big-hydrogen>

2- <https://www.reuters.com/business/energy/how-great-is-japans-reliance-middle-east-energy-2023-10-27/>

کرده‌است تا منابع انرژی خود را متنوع کند و وابستگی خود را به سوخت‌های فسیلی کاهش دهد. در ادامه، به برخی از کشورها و پروژه‌هایی که ژاپن در آن‌ها سرمایه‌گذاری قابل توجهی در هیدروژن انجام داده، اشاره شده‌است:

۱. استرالیا

ژاپن یکی از بزرگ‌ترین سرمایه‌گذاران در صنعت هیدروژن استرالیا است. در سال ۲۰۲۰، شرکت‌های ژاپنی بیش از ۱۰ میلیارد دلار در پروژه‌های هیدروژن استرالیا سرمایه‌گذاری کردند. این پروژه‌ها شامل تولید هیدروژن سبز از منابع انرژی تجدیدپذیر مانند انرژی خورشیدی و بادی و توسعه زیرساخت‌های هیدروژنی مانند خطوط لوله و ایستگاه‌های سوخت‌گیری است.

۲. برونئی

ژاپن و برونئی در سال ۲۰۲۰ یادداشت تفاهمی برای همکاری در زمینه توسعه زنجیره تأمین هیدروژن امضا کردند. این تفاهم‌نامه شامل برنامه‌هایی برای توسعه هیدروژن مبتنی بر گاز طبیعی است.

۳. اندونزی

ژاپن در تعدادی از پروژه‌های هیدروژنی در اندونزی سرمایه‌گذاری می‌کند؛ از جمله توسعه تأسیسات تولید هیدروژن سبز در جزایر ریائو. این تأسیسات از انرژی خورشیدی و بادی، برای تولید هیدروژن استفاده خواهد کرد و هیدروژن تولیدی به ژاپن صادر خواهد شد.

۴. مالزی

ژاپن با مالزی برای توسعه زنجیره ارزش هیدروژن همکاری می‌کند. دامنه این همکاری شامل تولید، ذخیره‌سازی، حمل‌ونقل و استفاده از هیدروژن است. دو کشور در طیفی از پروژه‌ها مانند توسعه ناوگان اتوبوس‌های پیل سوختی هیدروژنی در کوالالامپور، با یکدیگر همکاری می‌کنند.

۵. سنگاپور

ژاپن و سنگاپور در طیفی از پروژه‌های هیدروژنی از جمله توسعه شبکه ایستگاه‌های سوخت‌گیری هیدروژن و توسعه وسایل نقلیه هیدروژنی با یکدیگر همکاری می‌کنند. دو کشور همچنین برای توسعه استانداردها و مقررات صنعت هیدروژن با یکدیگر همکاری دارند.



۶. عربستان سعودی

ژاپن و عربستان سعودی توافق‌نامه‌هایی برای همکاری در زمینه توسعه فناوری‌های هیدروژن امضا کرده‌اند. در سال ۲۰۲۲، دو کشور ابتکار مشترکی به نام «مانار» را برای توسعه پروژه‌های هیدروژن و آمونیاک پاک اعلام کردند.

۷. امارات متحده عربی

ژاپن در طیفی از پروژه‌های هیدروژنی در امارات متحده عربی، از جمله توسعه تأسیسات تولید هیدروژن سبز در ابوظبی سرمایه‌گذاری کرده‌است. این تأسیسات از انرژی خورشیدی برای تولید هیدروژن استفاده خواهد کرد و هیدروژن تولیدشده به ژاپن صادر خواهد شد.

۸. ایالات متحده

ژاپن و آمریکا در طیفی از پروژه‌های هیدروژنی، از جمله توسعه یک کارخانه تولید هیدروژن در کالیفرنیا، همکاری می‌کنند. این نیروگاه از الکترولیز برای تولید هیدروژن از آب استفاده خواهد کرد و همچنین راه‌های مختلفی را برای ذخیره و انتقال هیدروژن آزمایش خواهد کرد.

موارد فوق تنها چند نمونه از بسیاری از پروژه‌هایی است که ژاپن در آن‌ها در هیدروژن سرمایه‌گذاری می‌کند. ژاپن متعهد به ایفای نقش پیشرو در توسعه این صنعت در حال ظهور است و منابع قابل توجهی را برای تبدیل هیدروژن به منبع انرژی پاک و پایدار، سرمایه‌گذاری می‌کند.^۱

بر مبنای پیش‌بینی‌ها، تا سال ۲۰۳۰ نیاز ژاپن به هیدروژن از ۲ میلیون تن در وضعیت فعلی به ۳ میلیون تن در سال افزایش خواهد یافت. نیاز ژاپن به هیدروژن تا سال ۲۰۴۰ به ۱۲ میلیون تن خواهد رسید. این کشور قصد دارد تا از این سوخت برای کربن‌زدایی صنایع، از خودروسازی گرفته تا نیروگاه‌ها، که اکنون بیشتر با سوخت‌های فسیلی مانند زغال‌سنگ، نفت و LNG کار می‌کنند، استفاده کند. هیدروژن همچنین کلید تولید آمونیاک است که ژاپن می‌خواهد از آن در ترکیب سوخت خود برای افزایش عمر نیروگاه‌های زغال‌سنگی استفاده کند و بخش مهمی از برنامه‌های ژاپن برای تغییر به سمت انرژی پاک است. از جهتی دیگر، کشورهای حوزه خلیج فارس قصد دارند تا سال ۲۰۳۰ یک میلیون تن هیدروژن صادر کنند.

در سطح کلان، ژاپن برای رقابت با چین (بزرگ‌ترین تولیدکننده و مصرف‌کننده هیدروژن در جهان) نیازمند تقویت روابط خود با کشورهای خلیج فارس است.^۲

1- <https://www.energypolicy.columbia.edu/japans-investments-in-hydrogen-and-its-derivatives-in-southeast-asia/>

2- <https://www.reuters.com/business/energy/japan-pm-laid-foundations-hydrogen-supplies-with-middle-east-trip-2023-07-27/>

افزون‌بر حوزه انرژی‌های پاک، در سال‌های اخیر، ژاپن به‌طور فعال استراتژی‌های متنوع‌سازی را برای تقویت تعامل اقتصادی خود با خاورمیانه فراتر از واردات انرژی دنبال کرده‌است. گسترش صادرات ماشین‌آلات، لوازم برقی و خودرو، محور اصلی این تلاش‌ها بوده‌است. هدف این ابتکارات گسترش دامنه تجارت ژاپن با منطقه و افزایش مشارکت اقتصادی آن با خاورمیانه است.

سرمایه‌گذاری‌های روبه‌رشد در زیرساخت‌ها، توسعه شهرها و انرژی‌های تجدیدپذیر از حوزه‌های کلیدی همکاری میان شرکت‌های ژاپنی و شرکای خاورمیانه‌ای است. علاوه‌براین، گسترش تجارت الکترونیک و تجارت دیجیتال فرصت‌های جدیدی را برای کسب‌وکارهای ژاپنی فراهم کرده تا در بازارهای دیجیتال درحال رشد منطقه سرمایه‌گذاری کنند. ژاپن در سال ۲۰۲۳، ۱۱٫۵ میلیارد دلار در بخش انرژی خاورمیانه سرمایه‌گذاری کرده‌است. بزرگ‌ترین سرمایه‌گذاری‌های ژاپن در خاورمیانه در عربستان سعودی، قطر و امارات متحده عربی بوده‌است. این سه کشور برنامه‌های بلندپروازانه‌ای برای توسعه منابع انرژی فسیلی و تجدیدپذیر خود دارند. ژاپن همچنین در پروژه‌های انرژی تجدیدپذیر در عمان، اردن و مصر سرمایه‌گذاری کرده‌است. انتظار می‌رود سرمایه‌گذاری‌های انرژی ژاپن در خاورمیانه در سال‌های آینده، به رشد خود ادامه دهد.

روابط ژاپن و عربستان، مهم‌ترین نماد نقش‌آفرینی این کشور در اقتصاد سیاسی خاورمیانه و نیز ظرفیت‌های روابط آن با کشوری نفتی است. به‌دیگر سخن، برای شناخت ظرفیت‌های روابط اقتصادی ایران و ژاپن، مروری بر روابط اقتصادی این کشور با عربستان که از منظر اقتصاد سیاسی شباهت‌های آشکاری با ایران دارد، می‌تواند مفید باشد. همکاری ژاپن و عربستان در سال‌های اخیر از تجارت سنتی انرژی فراتر رفته و طیف متنوعی از بخش‌ها از جمله زیرساخت، تولید و فناوری را در بر می‌گیرد.

روابط دو کشور در دهه ۲۰۱۰، با چشم‌انداز ۲۰۳۰ عربستان سعودی که یک استراتژی جاه‌طلبانه برای تغییر اقتصاد این کشور از وابستگی به نفت است، تقویت شد. ژاپن به‌عنوان سومین اقتصاد بزرگ جهانی و کشوری که دارای کلاس جهانی در حوزه‌های فناوری است، به شریک مهم عربستان برای اجرایی‌کردن این برنامه بلندپروازانه بدل شده‌است. در همین راستا، ژاپن نقش محوری در توسعه زیرساخت‌های عربستان سعودی، به‌ویژه در زمینه‌های حمل‌ونقل، مخابرات و انرژی‌های تجدیدپذیر ایفا کرده‌است. شرکت‌های ژاپنی نقش مهمی در پروژه‌های کلیدی مانند متروی ریاض، فرودگاه بین‌المللی ملک سلمان و پروژه شهر هوشمند NEOM ایفا کرده‌اند.

جریان سرمایه‌گذاری میان ژاپن و عربستان سعودی در سال‌های اخیر افزایش قابل‌توجهی یافته‌است. در سال ۲۰۱۹، سرمایه‌گذاری مستقیم ژاپن در عربستان سعودی به ۳٫۴ میلیارد دلار رسید؛ درحالی‌که

سرمایه‌گذاری مستقیم عربستان سعودی در ژاپن به ۱,۶ میلیارد دلار رسید.^۱ مجموعه‌ای از عوامل که به سرمایه‌گذاری روبه‌رشد میان ژاپن و عربستان سعودی کمک کرده‌است، به‌شرح زیر است:

(۱) ثبات ژئوپلیتیکی

هر دو کشور از ثبات سیاسی برخوردارند و محیطی مساعد برای سرمایه‌گذاری ایجاد کرده‌اند.

(۲) اقتصادهای مکمل

نقاط قوت ژاپن در فناوری و تولید، به‌طور یکپارچه، مکمل منابع طبیعی عظیم و الزامات توسعه زیرساخت عربستان سعودی است.

(۳) منافع مشترک استراتژیک

دو کشور در ارتقای ثبات منطقه‌ای، مبارزه با تروریسم و رسیدگی به تغییرات آب‌وهوایی منافع مشترک دارند.

(۴) حمایت دولت

هر دو دولت ابتکارات منسجمی را برای تقویت جریان سرمایه‌گذاری بین دو کشور اجرا کرده‌اند.

پروژه‌های کلیدی سرمایه‌گذاری میان دو کشور نیز عبارت‌اند از:

(۱) شهر هوشمند نئوم

ژاپن نقشی محوری در توسعه زیرساخت‌ها و ستون فقرات فناوری این پروژه ایفا می‌کند.

(۲) پالایشگاه جیزا

سرمایه‌گذاری مشترک میان شرکت‌های ژاپنی و آرامکو، با ظرفیت پالایش ۴۰۰,۰۰۰ بشکه در روز، گواهی بر تعمیق مشارکت سرمایه‌گذاری است.

(۳) سرمایه‌گذاری مشترک عربستان سعودی (Saft Battery)

هدف این همکاری توسعه باتری‌های لیتیوم یون پیشرفته برای وسایل نقلیه الکتریکی و سیستم‌های ذخیره‌سازی انرژی است.^۲

1-<https://news.google.com/articles/>

2- <https://japan.aramco.com/en/magazine/elements/2022/jazan-complex>

باتوجه به مطالب اشاره شده در بالا، می‌توان گفت که ژاپن در سال‌های اخیر کوشیده تا با عربستان به نقشه راهی برای سرمایه‌گذاری در حوزه‌های جدید دست یابد. البته انرژی همچنان نقش کانونی خود را در این رابطه حفظ کرده است؛ به دیگر سخن، انرژی همچنان مهم‌ترین حوزه ظرفیت‌ساز در روابط دو کشور باقی مانده است؛ اما سرمایه‌گذاری در حوزه فناوری‌های نوین به‌ویژه برای مقابله با تغییرات اقلیمی، به‌صورتی فزاینده مورد توجه قرار گرفته است. مهم‌تر آن که تعریف انرژی از سوخت‌های فسیلی فراتر رفته و حوزه‌های کاملاً جدیدی را در بر گرفته است.

ظرفیت‌ها و محدودیت‌های روابط ایران و ژاپن

بر مبنای آنچه در این بخش اشاره شد، می‌توان گفت که ژاپن در سطح کلان همچنان بازیگر کلیدی در اقتصاد سیاسی بین‌الملل محسوب می‌شود؛ کشوری کلیدی در نظم بین‌الملل لیبرال است و به شدت برای حفظ آن تلاش می‌کند. در سطح داخلی در قالب «سرمایه‌داری نوین» تغییر پارادایمی در سیاست‌های توسعه خود را تجربه می‌کند؛ بدان معنا که توسعه انسان‌محور را بیش از گذشته در کانون توجه قرار داده است.

در حوزه دیپلماسی اقتصادی تلاش می‌کند تا ساختارهای موجود حکمرانی جهانی حفظ شود؛ اما در برابر بی‌ثباتی فزاینده محیط بین‌المللی و ژئوپلیتیکی شدن آن، امنیت اقتصادی را در کنار رشد اقتصادی برجسته کرده است. افزون بر این و مهم‌تر آن که هم راستا با الزامات مقابله با تغییرات اقلیمی، راهبرد انرژی خود را بازتعریف کرده و به‌عنوان یکی از کشورهای پیشرو و توسعه‌یافته در مسیر انتقال به اقتصاد سبز در حرکت است.

جایگاه خاورمیانه در دیپلماسی اقتصادی ژاپن هنوز هم بر محور امنیت انرژی قرار دارد. البته باتوجه به تغییر راهبرد کلان انرژی این کشور، جایگاه خاورمیانه نیز تغییر کرده است؛ بدان معنا که علاوه بر سوخت‌های فسیلی، ژاپن به‌سوی تعامل با شورای همکاری خلیج فارس در توسعه انرژی‌های تجدیدپذیر در حرکت است. تغییر پارادایمی در راهبرد کلان توسعه ژاپن و نیز راهبرد انرژی این کشور، روابط آن با خاورمیانه را وارد فضای جدیدی کرده است؛ بنابراین زمانی که سخن از ظرفیت‌های روابط ایران و ژاپن به میان می‌آید، باید توجه داشت که ایران با ژاپنی که هم قدیم و هم جدید است، روبه‌روست؛ ژاپنی که از یک سو همچنان ۹۵ درصد از نفت موردنیاز خود را از خلیج فارس وارد می‌کند و بیش از دهه‌های گذشته به این منطقه وابستگی دارد. از طرفی دیگر، کشوری است که نوعی تغییرات پارادایمی در مدل توسعه و گذار به اقتصاد سبز و کم‌کربن را تجربه می‌کند و به‌موازات تجربه مدل جدید توسعه و انرژی، نگرش آن به خاورمیانه و به‌ویژه خلیج فارس نیز تغییر کرده است؛ بنابراین ظرفیت‌ها و محدودیت‌های روابط ایران و ژاپن را باید در محیط عملیاتی جدیدی مورد بحث و بررسی قرارداد. در چنین فضایی عوامل شکل‌دهنده به

ظرفیت‌ها و محدودیت‌های روابط ایران و ژاپن را می‌توان به‌صورت زیر دسته‌بندی کرد:

(۱) محیط ژئوپلیتیک

همان‌گونه که اشاره شد، تبیین ظرفیت‌های روابط اقتصادی و تجاری ایران و ژاپن نیازمند بررسی موقعیت دو کشور در شاخص‌های تأثیرگذار بر این روابط است. یعنی ایران و ژاپن در هر یک از این شاخص‌ها در چه موقعیتی قرار دارند و هم‌پوشی منافع میان آن‌ها تا چه میزان است؟ این امر به تبیین ظرفیت‌ها و محدودیت‌های روابط دو کشور کمک می‌کند.

نخستین شاخصی که در این حوزه اهمیت دارد، محیط ژئوپلیتیک است؛ به دیگر سخن، نگرش دو کشور به محیط ژئوپلیتیک و موقعیت آنان در این محیط تأثیرات اساسی در ایجاد ظرفیت‌ها و حتی محدودیت‌ها در روابط آنان دارد. در شاخص محیط ژئوپلیتیک، این پرسش مطرح است که ائتلاف‌ها و درگیری‌های سیاسی چه نقشی در شکل‌گیری مشارکت اقتصادی دو کشور دارد و عوامل ژئوپلیتیکی از جمله نگرش دو کشور به نظم بین‌المللی و نگرانی‌های آن‌ها در مورد ثبات و امنیت منطقه‌ای چگونه بر روابط اقتصادی دو کشور تأثیر می‌گذارد؟

در این حوزه، ایران و ژاپن در دو سوی طیف قرار می‌گیرند. ژاپن یکی از بازیگران کلیدی در نظم بین‌الملل لیبرال و مهم‌ترین متحد آسیایی آمریکا محسوب می‌شود؛ سومین قدرت اقتصادی جهان است و به‌شدت در زنجیره‌های جهانی ارزش، تنیده شده‌است. به عبارت دیگر، ژاپن از سهام‌داران اصلی نظم موجود بین‌المللی است و در حفظ آن منافع استراتژیکی دارد و همواره حامی این نظم بوده‌است.

در سیاست خارجی ژاپن، اتحاد با آمریکا و حفظ آن مهم‌ترین مؤلفه محسوب می‌شود. با هسته‌ای شدن کره شمالی، خیزش چین و نیز تهاجمی شدن روسیه، محیط امنیتی ژاپن بیش از گذشته متلاطم و بی‌ثبات شده‌است؛ بنابراین، نیاز ژاپن به آمریکا بیش از گذشته است. ژاپن در میان همسایگان رقیب و متخاصم قرار گرفته و به‌شدت به حمایت آمریکا نیاز دارد. از همین رو، اهمیت آمریکا در سیاست خارجی ژاپن روزافزون است. در سطح راهبردی و مواضع کلان بین‌المللی، ژاپن همواره در چارچوب چشم‌انداز راهبردی آمریکا حرکت می‌کند و فارغ از درستی یا نادرستی اقدامات بین‌المللی آمریکا، از آن‌ها حمایت کرده‌است. همان‌گونه که اشاره شد، در پرتو خیزش چین و تهاجمی شدن روسیه، محیط امنیتی ژاپن به‌سوی بی‌ثباتی بیشتر پیش می‌رود و احتمالاً اتحاد ژاپن و آمریکا مستحکم‌تر خواهد شد.

ایران در سوی دیگر طیف قرار می‌گیرد و از جمله کشورهایی است که آمریکا را به‌عنوان تهدید شماره یک امنیت ملی خود برجسته کرده‌است و سال‌هاست روابط رسمی با این کشور ندارد. علی‌رغم تلاش‌هایی

که برای کاهش تنش در روابط ایران و آمریکا در یک دهه اخیر صورت گرفت، این روابط همچنان پیچیده، پرتنش و پیش‌بینی‌ناپذیر باقی‌مانده است. ایران و آمریکا همچنان یکدیگر را به‌عنوان تهدیدی مهم تلقی می‌کنند. مهم‌تر آنکه احیای روابط ایران و آمریکا تا آینده قابل‌پیش‌بینی، بعید به نظر می‌رسد.

در شرایطی که ژاپن به‌صورت فزاینده‌ای ائتلاف خود را با آمریکا مستحکم می‌کند، روابط ایران و آمریکا همچنان تیره است و احتمالاً تیره باقی خواهد ماند. بنابراین، متغیر آمریکا محدودیتی بسیار کلیدی در روابط راهبردی، اقتصادی و تجاری ایران و ژاپن محسوب می‌شود.

تأثیرگذاری متغیر آمریکا بر روابط اقتصادی ایران و ژاپن و نقش محدودکننده آن، بیشتر از مسیر تحریم‌های یک‌جانبه ایالات متحده که پیچیده‌ترین نظام تحریمی محسوب می‌شود، در روابط ایران و ژاپن نقش آفرینی می‌کند. از زمانی که ایالات متحده از برجام خارج شد و تحریم‌های یک‌جانبه را علیه ایران مجدداً اعمال و گسترش داد، روابط اقتصادی ایران و ژاپن تقریباً متوقف شده است. ژاپن از جمله اولین کشورهای بود که در پیامد خروج آمریکا از برجام روابط اقتصادی با ایران را به حالت تعلیق درآورد؛ تعلیقی که همچنان تداوم دارد. از آنجاکه تحریم‌های اعمال‌شده علیه ایران، تحریم‌های ثانویه‌اند و آثار فراسرزمینی دارند، این امر نیز به‌نوبه خود بر فعالیت شرکت‌های ژاپنی در ایران تأثیرات محدودکننده جدی گذاشته است.

فراتر از متغیر ایالات متحده، ایران و ژاپن دو نگرش متفاوت به صلح و ثبات در منطقه خاورمیانه دارند. نگرش ژاپنی به منطقه خاورمیانه بیشتر با نگرش کشورهای شورای همکاری خلیج‌فارس همسوست. این کشورها مهم‌ترین شرکای ژاپن در منطقه محسوب می‌شوند. ایران و ژاپن در مورد نظم منطقه‌ای در خاورمیانه اختلاف‌نظرهای جدی دارند. سیاست خاورمیانه‌ای ژاپن بیشتر در راستای نظرات ایالات متحده و متحدین منطقه‌ای آن در خاورمیانه قرار می‌گیرد و با آن که به‌صورت صریح کمتر از سیاست‌های ایران انتقاد کرده است، هیچ‌گاه نیز در کنار ایران قرار نگرفته است. از دیگر سو، ایران همواره ژاپن را به‌عنوان متحد آمریکا و دنباله‌رو این کشور تعریف کرده و گاهی در مورد دنباله‌روی از سیاست‌های آمریکا به این کشور هشدار داده است.^۱

بنابراین، می‌توان گفت که محیط ژئوپلیتیک و سیاست‌های دو کشور در این محیط، بیشتر آثار محدودیت‌زایی بر روابط آنان داشته و دارد. در این میان، روابط بسیار متفاوت دو کشور با آمریکا و نقش متغیر آمریکا تعیین‌کننده و بسیار محدودیت‌زا بوده است. البته در سال‌های اخیر رقابت چین و ژاپن فزاینده بوده و توکیو می‌کوشد در خاورمیانه نیز با چین رقابت نماید. البته از آنجا که تحریم‌ها روابط این کشور با ایران را

1-<https://www.khabaronline.ir/news/1807345/%D9%85%D9%88%D8%B1%D8%AF-%D8%B9%D8%AC%DB%8C%D8%A8-%D9%BE%D9%88%D9%84-%D9%87%D8%A7%DB%8C-%D8%A8%D9%84%D9%88%DA%A9%D9%87-%D8%B4%D8%AF-%D9%87-%DA%86%D8%B1%D8%A7-%D8%B1%DB%8C%DB%8C%D8%B3-%D8%AC%D9%85%D9%87%D9%88%D8%B1-%D9%85%D8%AC%D8%A8%D9%88%D8%B1-%D8%B4%D8%AF-%D8%A8%D9%84%D8%A7%D9%81-%D8%A7%D8%B5%D9%84%D9%87>



بسیار پیچیده کرده‌است، عمدتاً رقابت با چین را در جنوب خلیج فارس پیگیری می‌کند.

۲) همکاری در حوزه انرژی

شاخص دومی که در سنجش ظرفیت‌ها و محدودیت‌های روابط ایران و ژاپن اهمیت دارد، همکاری در حوزه انرژی است. همان‌گونه که در بخش سیاست خاورمیانه‌ای ژاپن و روابط این کشور با عربستان نشان داده شد، انرژی در کانون کنش ژئواکونومیک ژاپن در خاورمیانه قرار دارد و مهم‌ترین مؤلفه در شکل‌دهی به روابط این کشور با عربستان است. عربستان به لحاظ اهمیت انرژی در اقتصاد آن شباهت‌های بسیاری با ایران دارد. به دیگر سخن، روابط ایران و ژاپن اگر بدون محدودیت‌های محیط ژئوپولیتیک به پیش می‌رفت، احتمالاً شباهت‌های بسیاری به روابط ژاپن و عربستان امروز پیدا می‌کرد.

انرژی یا صادرات نفت و موافقت‌نامه‌ها و سرمایه‌گذاری‌های مرتبط با انرژی، نقش تعیین‌کننده‌ای در شکل‌دهی به همکاری اقتصادی ژاپن با کشورهای خاورمیانه ایفا می‌کند. ژاپن در این حوزه، از سال‌ها پیش هرگونه سرمایه‌گذاری در حوزه‌های نفتی و گازی ایران دست کشیده‌است. آخرین پروژه‌های انرژی که میان ایران و ژاپن سال‌ها مورد مذاکره بود، به میدان‌های نفتی و آزادگان مربوط می‌شود. شرکت ژاپنی اینپکس در سال ۱۳۸۹ از این پروژه خارج شد^۱ و شرکت‌های چینی جایگزین آن شدند. گرچه شرکت‌های چینی نیز پروژه را به سرانجامی نرساندند، از آن زمان تاکنون موافقت‌نامه یا قرارداد مهمی در حوزه انرژی میان ایران و ژاپن منعقد نشده‌است.

در بیش از یک دهه‌ای که از تحریم‌های ایران می‌گذرد، به‌استثنای دوره کوتاه اجرای برجام، تعاملات انرژی ایران و ژاپن محدود به واردات نفت از ایران در قالب سهمیه‌هایی که در دوره‌هایی از سوی آمریکا به این کشور اعطا شده بود، صورت گرفت.

از زمان خروج ایالات متحده از برجام و سیاست ممنوعیت صادرات نفت ایران از سوی دولت ترامپ، ژاپن تمامی همکاری‌ها را در حوزه واردات نفت از ایران، قطع کرده‌است. به بیان دیگر، مؤلفه انرژی و صادرات نفت که عنصر کانونی و ظرفیت‌ساز در روابط ژاپن و خاورمیانه محسوب می‌شود، به‌صورت کامل از روابط ایران و ژاپن حذف شده‌است. این مؤلفه تا دوره پیش از تحریم‌ها، کانون روابط ایران و ژاپن محسوب می‌شد، اما در پیامد تحریم‌ها نقش نفت در روابط دو کشور به صفر تقلیل یافته و ضربه بسیار اساسی به روابط دو کشور وارد کرده‌است.

احیای تعاملات انرژی به‌عنوان مهم‌ترین ظرفیت روابط دو کشور در شرایط کنونی، به‌شدت چالش‌برانگیز

است. البته این به بدان معنا نیست که هیچ ظرفیتی برای احیای روابط در این حوزه وجود ندارد. با روی کار آمدن دولت بایدن و تفاهم محدود و موقتی که میان ایران و آمریکا شکل گرفت، دولت ایالات متحده سخت‌گیری‌ها بر صادرات نفت ایران به بازار جهانی را کاهش داده‌است. اهمیت کاهش تورم در ایالات متحده، افزایش فشارها بر روسیه و تداوم تفاهم محدود با ایران، جملگی زمینه را برای ورود تدریجی نفت ایران به بازار چین فراهم کرده‌است؛ احتمالاً چین در قالب تفاهم موقت ایران و ایالات متحده معافیت‌هایی را برای واردات میزان مشخصی از نفت ایران دریافت کرده‌است به‌علاوه، نوعی مکانیسم مالی برای انتقال اموال بلوکه‌شده ایران در کره جنوبی به بانک‌های قطر و سپس بانک‌های ایرانی نیز شکل گرفته‌است. در چنین شرایطی، این امکان وجود دارد که ژاپن به‌عنوان مهم‌ترین متحد ایالات متحده، مهم‌ترین مصرف‌کننده نفت در خاورمیانه و کشوری که همواره حامی برجام بوده و از امنیت و ثبات در خلیج فارس حمایت می‌کند نیز معافیت‌هایی را دریافت نماید. البته دریافت چنین معافیت‌هایی نیازمند عزم و اراده دولت ژاپن در سطح عالی برای چانه‌زنی با دولت آمریکا است. ایران می‌تواند این گزینه را به‌عنوان آغازی برای احیای نقش انرژی در روابط دو کشور مطرح نماید به‌دیگر سخن، فرمولی که برای واردات چین از ایران تنظیم شده‌است، می‌تواند برای تکرار در واردات نفت ایران از سوی ژاپن نیز به کار گرفته شود. افزون بر این فرمولی که برای انتقال دارایی‌های ایران از کره جنوبی به بانک‌های قطری طراحی شده‌است، می‌تواند به‌عنوان الگویی برای تصفیة مبادلات مالی میان ایران و ژاپن در حوزه‌های غیرتحریمی نیز در صورت موافقت ایالات متحده به کار گرفته شود.

در میان مدت (چنانچه در بخش پیشین اشاره شد) تعیین جایگاه ایران در استراتژی نوین امنیت انرژی ژاپن نیز اهمیت دارد. همان‌گونه که اشاره شد، ژاپن به تدریج به سوی اقتصاد سبز در حرکت است و نوعی تغییر پارادایمی در اقتصاد سیاسی این کشور به تدریج رخ می‌دهد. در این فرایند، ژاپن متمرکز بر توسعه هیدروژن به‌عنوان یک سوخت پاک و متعهد به سرمایه‌گذاری بیش از ۱۰۰ میلیارد دلاری در ۱۵ سال آینده در این حوزه شده‌است.

منطقه خلیج فارس یکی از مناطق کلیدی برای تولید هیدروژن از سوخت‌های فسیلی و به‌ویژه گاز محسوب می‌شود. از همین رو، مدل همکاری ژاپن با کشورهای حوزه خلیج فارس به‌ویژه عربستان و امارات تغییرات مهمی به خود دیده و انرژی‌های جدید نقش مهمی در آن یافته‌اند؛ به عبارت دیگر، ژاپن در زیرساخت‌های تولید هیدروژن در این منطقه سرمایه‌گذاری می‌کند و هیدروژن تولید شده را در بازار داخلی خود به مصرف می‌رساند تا در مسیر اهداف گذار به اقتصاد سبز مورد بهره‌برداری قرار دهد.

ایران با برخورداری از بزرگ‌ترین ذخایر گاز طبیعی در منطقه و دومین ذخایر گاز طبیعی در جهان طبیعتاً گزینه جذابی برای شرکت‌های ژاپنی به شمار می‌آید. علاوه بر این، تلاش‌های ایران برای توسعه انرژی‌های



تجدیدپذیر در سبد انرژی، خود نیز می‌تواند حوزه‌های مهمی را برای همکاری ایران و ژاپن ایجاد کند؛ چنان‌چه در روابط ژاپن و عربستان ایجاد کرده‌است.

حوزه انرژی‌های تجدیدپذیر حوزه غیرتحریمی محسوب می‌شود و از آنجاکه با تغییرات اقلیمی پیوند خورده‌است و کشورهای توسعه‌یافته موظف به کمک به کشورهای در حال توسعه در راستای گذار به اقتصاد سبز هستند، طرف ژاپنی برای جلب حمایت ایالات متحده یا حداقل عدم مخالفت آن، برای همکاری با ایران در حوزه انرژی‌های تجدیدپذیر احتمالاً با چالش‌های اساسی مواجه نخواهد بود. البته این روند با پیچیدگی‌های قابل‌حلی همراه خواهد بود.

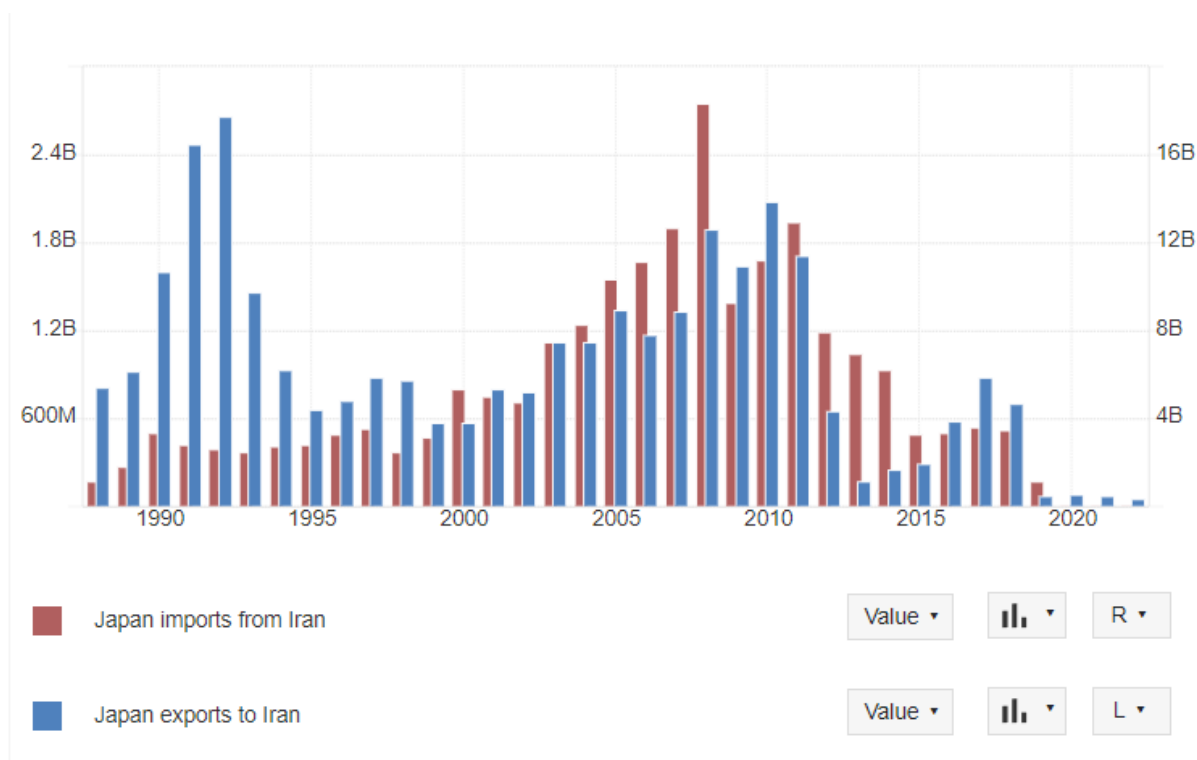
بنابراین، ایران می‌تواند تغییر پارادایمی در امنیت انرژی ژاپن و به‌طور کلی روند توسعه آن به‌سوی اقتصاد سبز و کم‌کربن به‌عنوان حوزه جدید ظرفیت‌ساز تعریف نماید. تمرکز این کشور بر زنجیره هیدروژن و اهمیت ایران در تولید هیدروژن از گاز طبیعی حوزه جدیدی از ظرفیت‌ها را بین دو کشور ایجاد می‌کند. تا آینده میان‌مدت و تا مادامی که تحریم‌ها علیه ایران تداوم دارد، حوزه انرژی‌های تجدیدپذیر را می‌توان مهم‌ترین حوزه ظرفیت‌ساز در روابط ایران و ژاپن بر محور انرژی محسوب کرد؛ حوزه‌ای که از تحریم‌های ایالات متحده کمتر آسیب‌دیده و از آنجاکه در راستای مقابله با تغییرات اقلیمی قرار دارد، مخالفت ایالات متحده با همکاری کشورها با ایران در این حوزه، چندان پذیرفتنی نخواهد بود.

۳) ساختار روابط تجاری

شاخص دیگری که در سنجش ظرفیت‌ها و محدودیت‌های روابط اقتصادی ایران و ژاپن اهمیت دارد، نوع روابط تجاری آن‌ها یا ساختار روابط تجاری آنان است. ساختار روابط تجاری ایران و ژاپن به‌صورت تاریخی در قالب دوجانبه و سازوکارهای قدیمی پیش‌رفته‌است. به بیان دیگر، در حوزه چندجانبه، دو کشور در قالب مشترکی قرار نمی‌گیرند؛ ژاپن از اعضای کلیدی سازمان تجارت جهانی است، سازمانی که بیش از ۹۰ درصد تجارت جهانی در قالب قواعد آن صورت می‌گیرد، اما ایران تنها اقتصاد بزرگی است که هنوز به این سازمان ملحق نشده و قصدی هم برای الحاق به این سازمان ندارد.

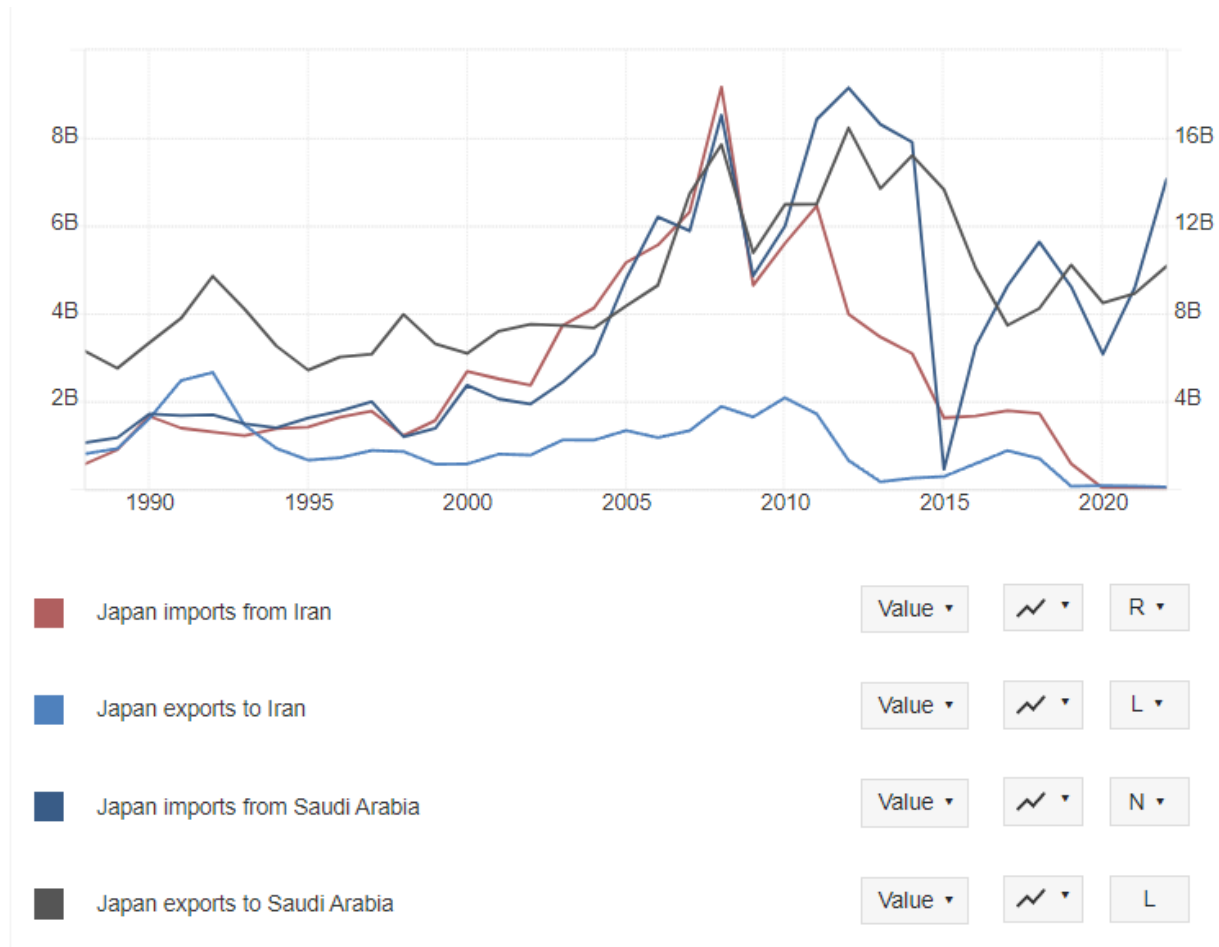
فراتر از سازمان تجارت جهانی، ایران و ژاپن در هیچ موافقت‌نامه منطقه‌ای یا دوجانبه مهمی نیز مشترکاً عضویت ندارند. روابط تجاری دو کشور عمدتاً نفت‌محور بوده و در سال‌های اخیر که تحریم‌ها علیه ایران تداوم یافته، تقریباً قطع شده‌است. بنابراین، در شرایط کنونی تجارت چندانی میان دو کشور وجود ندارد. نمودار زیر این روند را نشان می‌دهد.

نمودار ۲- روند تحول در روابط تجاری ایران و ژاپن ۱۹۸۵-۲۰۲۲



مقایسه روند تحول در روابط تجاری ایران و عربستان که ساختار مشابهی در روابط با ژاپن برخوردار بودند به خوبی اثر ویرانگر تحریم بر روابط تجاری ایران و ژاپن را نشان می‌دهد

نمودار ۳- مقایسه روند تحول در روابط تجاری ایران و ژاپن با عربستان



تا مادامی که تحریم‌ها علیه ایران تداوم یابد، تنها امکانی که برای احیای تجارت میان دو کشور می‌توان به آن اشاره کرد، همکاری در قالب شرکت‌های کوچک و متوسط است. این مدل همکاری در شرایط کنونی در روابط ایران و چین جریان دارد و بیشتر شرکت‌های چینی که در ایران فعالیت می‌کنند، شرکت‌های کوچک و متوسط محسوب می‌شوند. اشاعهٔ چنین مدلی به روابط ایران و ژاپن، البته با پیچیدگی همراه خواهد بود. اما فعالیت شرکت‌های کوچک و متوسط چینی و برخی دیگر از کشورها در ایران در عین تداوم تحریم‌ها نشان می‌دهد که چنین اقدامی قابل تسری به روابط ایران و ژاپن نیز است. منطقهٔ آزاد چابهار می‌تواند جغرافیای حضور شرکت‌های کوچک و متوسط ژاپنی در ایران باشد. این منطقه از تحریم‌های ایالات متحده مستثنی شده است^۱، هند به‌عنوان متحد آسیایی ژاپن در آن حضور

۱- بخش ۱۲۴۴ قانون آزادی و مبارزه با گسترش سلاح‌های هسته‌ای ایران در سال ۲۰۱۲ (IFCA) یک ماده خاص در قوانین ایالات متحده است که بر گسترش تحریم‌ها علیه ایران، به ویژه هدف قرار دادن بخش‌های انرژی، کشتیرانی و کشتی‌سازی این کشور تمرکز دارد. با این حال، استثنائات خاصی را نیز شامل می‌شود که امکان انعطاف در اعمال این تحریم‌ها را فراهم می‌کند. بخش ۱۲۴۴ تحریم‌هایی را علیه افراد و نهادهای درگیر در بخش‌های انرژی، کشتیرانی و کشتی‌سازی ایران اعمال می‌کند. این بخش شامل کسانی می‌شود که کالاها یا خدمات قابل توجهی را که در ارتباط با این بخش‌ها استفاده می‌شود، عرضه می‌کنند. این ماده فعالیت‌های مختلفی را که می‌تواند تحریم‌ها را نقض کند، شناسایی می‌کند. اینها شامل، اما نه محدود به، ارائه حمایت مالی، مادی یا فناوری قابل توجه به دولت یا نهادهای ایرانی در این بخش‌ها می‌شود. این بخش به تشریح مجازات‌ها برای اشخاص و اشخاصی که در این فعالیت‌های قابل تحریم دست دارند، نیز می‌پردازد. این مجازات‌ها می‌تواند شامل

پررنگی دارد و مهم‌تر آنکه چابهار بالقوه بخشی از راهبرد کلان شکل‌دهی به «منطقه هند و پاسیفیک باز و آزاد» محسوب می‌شود؛ راهبردی که ژاپن در راستای رقابت با چین بر آن تمرکز دارد. ژاپنی‌ها علاقه‌مندی خود را به حضور در چابهار نشان داده‌اند. اتاق ایران به‌عنوان نماینده بخش خصوصی که شرکت‌های کوچک و متوسط نقشی اساسی در آن دارند، می‌تواند پیشبرد این راهکار را در تعامل با طرف ژاپنی مورد توجه قرار دهد.

۴) شرایط سرمایه‌گذاری

در شاخص شرایط برای سرمایه‌گذاری به‌عنوان یکی از شاخص‌های مهم در توسعه روابط ایران و ژاپن، و یکی از حوزه‌های ظرفیت‌ساز اساسی روشن است که شرایط برای سرمایه‌گذاری ژاپن در ایران مساعد نیست. به دیگر سخن، شرایط سرمایه‌گذاری برای پروژه‌های کلان در ایران برای هیچ کشور و شرکت مهمی مناسب نیست. تحریم‌های بین‌المللی، درعمل زمینه‌های لازم برای سرمایه‌گذاری را به‌شدت تضعیف کرده‌است. آنچه در بخش پیشین این گزارش درمورد سرمایه‌گذاری ژاپن در حوزه انرژی‌های تجدیدپذیر و به‌ویژه هیدروژن اشاره شد، درصورتی قابل تحقق است که تفاهمی سطح بالا میان دو کشور صورت گیرد و آمریکا مانع آن نشود.

در چنین شرایطی و در کوتاه‌مدت، تنها شرکت‌های کوچک و متوسط ژاپنی ممکن است در حوزه‌های غیرتحریمی در ایران و به‌ویژه در چابهار سرمایه‌گذاری‌هایی صورت دهند. حتی انجام چنین سرمایه‌گذاری‌هایی نیز به تلاش‌های دولت و بخش خصوصی ایران برای جذب سرمایه‌گذاران ژاپنی بستگی خواهد داشت.

۵) سیستم‌های مالی و روابط ارزی

درنهایت، سیستم‌های مالی و روابط ارزی، از دیگر شاخص‌های تعیین‌کننده برای ایجاد ظرفیت یا محدودیت در روابط کشورها و از جمله ایران و ژاپن محسوب می‌شود. از آنجاکه بیشتر تحریم‌ها علیه ایران بر حوزه مالی متمرکز شده‌است و نظام مالی ایران به‌طور کامل تحت تحریم قرار دارد، این حوزه یکی از چالش‌های اساسی برای همکاری دو کشور محسوب می‌شود.

ممنوعیت دسترسی به سیستم مالی ایالات متحده، مسدود کردن دارایی‌ها و ممنوعیت ویزا باشد.

اما رئیس‌جمهور ایالات متحده این اختیار را دارد که از اعمال تحریم‌ها چشم‌پوشی کند، در صورتی که تشخیص داده شود که این تحریم‌ها در راستای منافع امنیت ملی ایالات متحده است. این معافیت باید به صورت دوره‌ای تمدید شود و نیاز به اطلاع‌رسانی به کنگره دارد. در این قانون و به‌طور کلی نظام تحریمی آمریکا، برای معاملات مربوط به کمک‌های بشردوستانه از جمله صادرات کالاهای کشاورزی، غذا، دارو و تجهیزات پزشکی به ایران استثنائاتی وجود دارد.

معافیت بندر چابهار تحت انعطاف‌پذیری گسترده‌تر ارائه شده در بند ۱۲۴۴ قرار می‌گیرد. دولت ایالات متحده از این انعطاف‌پذیری برای معافیت بندر و پروژه‌های زیربنایی مرتبط با توجه به اهمیت آنها برای توسعه اقتصادی افغانستان استفاده کرد. تصمیم معافیت بندر چابهار از تحریم‌های مندرج در ماده ۱۲۴۴ بر اساس ارزیابی استراتژیک از اهمیت آن برای ثبات اقتصادی و توسعه افغانستان بود.



با این وجود، تاکنون چند مدل کانال مالی برای تعامل محدود و مشروط میان ایران و شرکای این کشور در شرایط تحریمی طراحی و اجرایی شده است. نخستین مدل کانال مالی اروپایی موسوم به اینستکس بود که با فشار ایالات متحده در دوره ترامپ به سرانجامی نرسید. در آن زمان ایران هنوز به دنبال احیای برجام بود و به توافقی کمتر از احیای امتیازات برجامی نمی‌اندیشید؛ اما در شرایط کنونی که ایالات متحده و ایران تمایلی به بازگشت به برجام ندارند و دولت ایالات متحده نیز سختگیری‌های دوره ترامپ را تا حدودی کنار گذاشته است، به کارگیری این مدل در روابط ایران و ژاپن حداقل در حوزه شرکت‌های کوچک و متوسط می‌تواند از سوی اتاق ایران پیگیری شود.

مدل دیگر مدلی است که در قالب پرداخت بدهی‌های عراق به ایران با توافقی که با ایالات متحده صورت گرفت، اجرایی شد. دولت عراق به‌عنوان متحد آمریکا در این توافق نقش کلیدی داشت. در قالب این مدل، ایالات متحده معافیت‌های دوره‌ای به عراق اعطا کرد تا این کشور بتواند به تجارت خود با ایران ادامه دهد و بدهی‌هایی را که بیشتر ناشی از واردات گاز و برق از ایران هستند، پرداخت نماید. ژاپن هم مانند عراق، متحد کلیدی ایالات متحده است و اخذ چنین معافیتی برای تعامل با ایران در حوزه‌های غیرتحریمی می‌تواند مورد بررسی قرار گیرد.

سومین مکانیسم در قالب مبادله با ارزهای غیردلاری است. در این حوزه نیز مبادله شرکت‌های کوچک و متوسط می‌تواند به‌عنوان یک پیشنهاد مطرح گردد. چنین مدلی در روابط ایران و چین تا حدودی عملیاتی شده است. البته این پیشنهادات نیازمند بررسی کارشناسانه از سوی متخصصین مالی است.